



انترناسیونال ۲۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۹ مرداد ۱۳۸۶، ۱۰ آگوست ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

همایش با شکوه جهانی در همبستگی با کارگران ایران

صفحه ۳



گوشه ای از حضور فعال حزب کمونیست کارگری در تظاهرات ۹ آگوست

قطعنامه در باره جنبش آزادی زن در ایران مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آراء)

صفحه ۴



محسن ابراهیمی

اسلام "معتدل و مدرن" عروج کرده است، که اسلام را میتوان با جهان مدرن انطباق داد، که اسلام سیاسی

صفحه ۲

در میان دو ارتجاع

جدال اسلام سیاسی و ناسیونالیسم در ترکیه

میتواند اسلام را بر زندگی مردم حاکم کند؟ آیا بساط شلاق و دست و زبان بریدن و سنگسار راه خواهد افتاد؟ آیا جمهوری اسلامی دوم در منطقه عروج کرده است؟ آیا اکثریت مردم ترکیه به شریعت اسلامی روی آورده اند؟ و اگر پاسخ این سئوالات منفی است، آیا میتوان استنتاج کرد که نوع دیگری از اسلام سیاسی،

در ترکیه، حزب عدالت و توسعه، یک حزب اسلامی، برای اولین بار ۵ سال پیش در انتخابات پیروز شد. چند هفته پیش، همان حزب مجددا در مقابل احزاب سنتی ناسیونالیستی به پیروزی رسید. این اتفاق، بار دیگر سئوالاتی را به صحنه سیاسی نه تنها ترکیه بلکه منطقه و جهان پرت کرد: آیا حزب عدالت و توسعه

صفحه ۶

در صفحات دیگر

تابستان ۸۶

فراخوان مشترک

نامه مینا احدی به سازمان عفو بین الملل
پیام محمد آسنگران به کارگران...
مجرم کیست و چه کسی باید محاکمه شود؟

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

معتدل و مدرن يك آلترناتیو سیاسی واقعی است؟ و بالاخره، مستقل از پاسخهای متفاوت گرایشات مختلف به این سئوالات، باید این مسئله را روشن کرد که مضمون سیاسی عروج يك حزب اسلامی به قدرت، آنهم در حالیکه حکومت اسلامی در همسایگی ترکیه خودش در حال سقوط است، چیست؟

ایران و ترکیه: یک مقایسه

مردم ترکیه به حق نگرانند. در ترکیه حزبی با ریشه های اسلامی و با رهبران اسلامی به مجلس راه یافته است و دولت تشکیل داده است. هرکسی که از تجربه چرکین و خونین حاکمیت اسلام در ایران و افغانستان خیر داشته باشد باید هم نگران باشد. شلاق و دست بردن و اسید پاشی به زنان و حجاب و اعدام و آزار جوانان و سرکوب کارگران، تنها چیزهایی هستند که از يك حزب اسلامی در قدرت انتظار می رود. اما عروج حزب عدالت و توسعه به قدرت، نه ۵ سال پیش میتوانست و نه امروز میتواند به راه انداختن جمهوری اسلامی از نوع حکومت اسلامی در ایران منجر شود. ۵ سال پیش وقتی این حزب در انتخابات پیروز شد در مقاله ای (مقاله "انتخابات ترکیه، آیا اسلام سیاسی دو باره جان میگیرد" منتشر شده در انترناسیونال هفتگی شماره ۱۳۱) نوشتیم که این مقایسه درست نیست. امروز هم این يك مقایسه بی زمینه است به دلایل مشابهی که در آن مقاله توضیح داده ام:

در ایران، جنبش اسلامی روی دوش يك انقلاب عظیم مردمی، برای شکست آن انقلاب و با شکست آن انقلاب روی کار آمد، قدرت را از انقلاب گرفت، به نام انقلاب و از "طرف" انقلاب به سراغ مردم رفت و انقلاب همان مردم را با نام و "مشروعیت انقلابی" به خون کشید.

در ترکیه انقلابی رخ نداده است و حزب اسلامی عدالت و توسعه به عنوان ابزار سرکوب انقلاب توسط طبقه حاکم ترکیه و دول غرب بر سر کار نیامده است. اگر این اتفاق می افتاد بدون تردید جنبش اسلامی و حزبی در ترکیه همان بلایی را سر مردم می آورد که در ایران آورده است. در ترکیه، بخشی از مردم فقر زده و سرکوب شده و سرخورده از دهه

حکومت احزاب ناسیونالیست حافظ نظام سرمایه داری به دام عوامفریبیهای يك حزب آلترناتیو، حزب آلترناتیو پاسدار سرمایه داری یعنی حزب عدالت و توسعه افتاده اند و راه نجاتشان را در علم کردن این حزب در مقابل احزاب ناسیونالیست سر به ارتش دیده اند. در همه جای دنیا همه مردم، مشخصا بخشهای محروم مردم و کارگران تغییر می خواهند و اپوزیسیونی که تغییر وعده میدهد در مقابل احزاب حاکم دست بالا پیدا میکند. در ترکیه هم در يك سطح عمومی همین اتفاق افتاده است. بخشی از مردم، سرخورده از احزاب حاکم ناسیونالیست، احزابی که برای مدت طولانی نقش ارکان سرکوب سرمایه و سازماندهی استثمار و سرکوب کارگران ترکیه را بر عهده داشته اند، به حزب آلترناتیو روی آورده اند. البته این حزب آلترناتیو هم حزبی دیگر از همان طبقات حاکم ترکیه است که توانسته است از شکاف مردم و کارگران با احزاب حاکم بهره برداری سیاسی کند. خیلی روشن است که حزب عدالت و توسعه فقط به این خاطر توانست این شکاف را پر کند که حزب آلترناتیو خود کارگران و مردم محروم ترکیه وجود نداشت که میدان را برای يك حزب ارتجاعی تنگ کند.

و جالب است که همین حزب با ریشه های اسلامی، همین حزبی که رهبرانش زمانی که عضو حزب رفاه اسلامی اربکان بودند و آن وقت در مورد اسلام رجزخوانی میکردند، امروز برای اینکه در صحنه سیاسی ترکیه جایگاهی داشته باشند مجبور شده اند حزب اربکان را ترک کنند و در شعارهای انتخاباتیشان اسلامشان را تا میتوانند پنهان کنند، داتما به مردم قول بدهند و در پیش مردم قسم بخورند که قصد ندارند اسلام را در سیاست دخالت سیستم آموزشی وارد کنند، قصد ندارند به ارزشهای سکولار دست درازی کنند، قصد ندارند ادای جمهوری اسلامی ایران را در بیاورند! توجه کنید که حزب عدالت و توسعه، یعنی همان حزب اسلامی در تبلیغات انتخاباتی مجبور بود و تا میتوانست تلاش کرد از ایدئولوژی اسلامی فاصله بگیرد، به جای

تبلیغ حجاب از شخصیتهای بی حجاب به عنوان کاندید استفاده کرد، به جای قرائت قران و اذان و سرود انجمنه انجمنه از موزیک پاپ استفاده کرد و ... همه اینها به این خاطر بود که رهبران حزب عدالت و توسعه تظاهرات میلیونی مردم ترکیه در آنکارا و از میر و استانبول را دیده بودند که با صدی بلند اعلام کردند که حاضر نیستند ترکیه رئیس جمهوری داشته باشد که همسر سر حجاب بر سر دارد. و چه کسی نمیداند که امروز دفاع از حجاب برای جنبش اسلامی يك پرچم سیاسی است و مخالفت با حجاب برای مخالفین این جنبش، برای نیروهای سکولار يك پرچم سیاسی مبارزه است. بی دلیل نیست که حزب عدالت و توسعه بعد از پنج سال حکومت در ترکیه نه تنها هنوز قادر نشده است و جرئت نکرده است حجاب را در مکانهای دولتی و آموزشی بر زنان تحمیل کند بلکه منظمًا به مردم قول میدهد چنین قصدی ندارد. میگویم هنوز، چون حزب اسلامی عدالت و توسعه در حقیقت در این مورد و در مورد تمام جوانب اسلامی ایدئولوژی اش دارد دندان رو جگر میگذارد. اگر ایدئولوژی حرف آخر را میزد و توازن قوای سیاسی در ترکیه و جهان به نفع این حزب بود، همین حزب امروز حتی خیابانها را هم یکطرفه میکرد و خیابان استقلال در میدان تقسیم (یکی از مدرنترین خیابانهای استانبول که زنان در آن مثل خیابان شانزه لیزه رفتار میکنند) را به خیابان زینب تبدیل میکرد و خواهران زینب را به جان زنان می انداخت.

تجربه ترکیه: آیا اسلام با "دموکراسی" و "مدرنیسم و آزادی و حقوق بشر انطباق دارد؟"

آیا تجربه ترکیه به معنای این نیست که اسلام و اسلام سیاسی "بر دو نوع" است؟ اسلام بد و خوب دارد؟ اسلام و اسلام سیاسی، برخلاف تجربه کثیف و چرکین و ضدانسانی تا کنونیش میتواند مدرن و مترقی و انسانی باشد؟ از همین الان ارکستر بزرگی از محافل گردن کلفتی در آکادمیها و الیت سیاسی حاکم در غرب راه افتاده اند و در بوق "دیدید گفتیم اسلام خوب و بد دارد" میدمند. در کشورهای اسلام زده خاورمیانه و

آسیا و شمال آفریقا، و مشخصا ایران، محافل اسلامی "اصلاح طلب" دم گرفته اند که ترکیه نشان داد که میتوان اسلام را اصلاح کرد، اسلام با دموکراسی خوانایی دارد، اسلام با حقوق بشر تناقض ندارد. احزاب اسلامی مراکش و تونس نماینده به ترکیه فرستاده اند که تجربه موفق ترکیه را مطالعه کنند و رهنمود بگیرند. قند در دل مدعیان متعلق به صف اصلاح حکومت اسلامی در ایران آب شده است که ترکیه يك تجربه موفق اسلام تعدیل شده و مدرن را به دست داده است. میگویند جان اسپوزیتو، اسلام شناس مشهور حق داشته است که میگفت ریشه های "دموکراسی" در اسلام وجود دارد!

اجازه بدهید يك لحظه از مبانی و دلایل سیاسی این ادعاها فاصله بگیریم و فرض کنیم که این تبیینها منشا معرفتی دارند. فرض کنیم واقعا کسانی فکر میکنند ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی را میتوان تعدیل و اصلاح و مدرن کرد! فرض کنیم اسلام ابزار سیاسی هیچ جنبش سیاسی نیست. يك ایدئولوژی صرف است. يك تبیین ایدئولوژیک از انسان و مناسبات میان انسانهاست. در این صورت، اولًا معلوم نیست چرا باید از میان این همه مکاتب سیاسی، اسلام را برای تعدیل انتخاب کرد که مانیفست اصلی اش یعنی قران و حدیث، انسانی از کثیف ترین، شنعیرترین، عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین، ضد انسانی ترین تصویر از مناسبات انسانهاست. معلوم نیست چگونه میتوان در قران، کتابی که براسستی بهترین راهنمای تبعیض و تحقیر علیه انسان، بهترین کاتالوگ شکنجه، مهمترین سند راهنمای آزار زنان و کودکان است، چیزی به نفع انسان پیدا کرد؟ معلوم نیست چگونه میتوان در کتابی که تمام عمارتش روی پایمال شدن حقوق زن استوار شده است، چیزی به نفع حقوق انسانی زن تفسیر کرد؟ و بالاخره چگونه میتوان ایدئولوژی ای را که تبعیض علیه انسان، تحقیر و آزار علیه زن، بی حرمتی علیه کودک تمام تار و پودش را تشکیل میدهد حتی در ابتدایی ترین سطحش به نفع انسان تعبیر و تفسیر کرد!

به این معنا، حتی اگر اسلام يك ایدئولوژی صرف بود و هیچ ربطی به سیاست نداشت؛ حتی اگر میشد ایدئولوژی را از سیاست جدا کرد و در

انتزاع بررسی کرد هنوز در این ایدئولوژی جایی برای تفسیر انسانی وجود ندارد. اما حقیقت این است که اسلام هم مثل همه ایدئولوژیها ابزار سیاسی است. حتی در زمان خود محمد هم اسلام يك پروژه ایدئولوژیک سیاسی بوده است. امروز به طریق اولی، اسلام يك ابزار سیاسی برای پاسخ دادن به مسائل سیاسی واقعی است. اسلام در سال ۵۷ در ایران، قالب ایدئولوژیک يك جنبش تماما سیاسی با دستور سیاسی و برای پاسخ دادن به معضلات سیاسی و تحقق منافع سیاسی، شکل حکومت اسلامی به خود گرفت و بر مردم ایران حاکم شد. مصرف دو گانه داخلی حکومت اسلامی، داخلی (ابزار سرکوب انقلاب مردم) و

جهانی (حلقه ای مهم از زنجیری که غرب دور بلوک مقابل میشکند) به اسلام این نقش را داد. سر کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، در مقطعی کاملاً متفاوت، و چه از نقطه نظر اوضاع داخلی ترکیه، دقیقًا به خاطر همین مقطع متفاوت توانست قالبی شبیه حکومت اسلامی به خودش بگیرد. در سطح جهانی، قطبی به نام قطب "سوسیالیسم" وجود ندارد که ترکیه يك حلقه در زنجیره محاصره آن قطب باشد. مدتهاست که اسلام سیاسی در سطح جهانی، نقش خود را به مثابه حلقه ای در محاصره اردوگاه مقابل از دست داده است و خود به يك هویت سیاسی مدعی قدرت سیاسی در مقابل غرب در آمده است. مدتهاست که اسلام سیاسی خود را به عنوان آلترناتیو جنبش ناسیونالیستی طرفدار غرب به طبقات حاکم جوامع خاورمیانه ارائه داده است و دقیقًا به خاطر ورشکستگی تاریخی جنبش ناسیونالیستی سنتی طرفدار غرب، در بخشی از این جوامع جا پیدا کرده است. و از طرف مقابل، از نقطه نظر غرب، مخصوصًا بعد از ۱۱ سپتامبر، اسلام سیاسی جای اردوگاه قدیمی شرق، یعنی اردوگاه "شر" را گرفته است.

هم دول غرب و هم طبقات حاکم در این کشورها در مقابل اسلام سیاسی با این تناقض سیاسی مواجه هستند؛ از یکطرف ظرفیت سرکوب و ضدکارگری جنبش اسلامی را به خوبی میشناسند، و از طرف دیگر ناخوانی ایدئولوژی اسلامی برای

همایش با شکوه جهانی در همبستگی با کارگران ایران بیش از ۳۰ تظاهرات و تجمع در سراسر جهان بر پا شد

به دنبال فراخوان کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) به تمامی اتحادیه‌ها و شعبات تابعه خود در سراسر جهان و تعیین روز ۹ اوت ۲۰۰۷ (۱۹ مرداد ۱۳۸۶) بعنوان روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی، در بیش از ۳۰ نقطه جهان تظاهرات و تجمع اعتراضی بر پا شد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از این فراخوان در کشورهای مختلف اقدام به برگزاری تظاهرات نمود. فعالین حزب در نیمی از این تظاهرات ها شرکت فعال داشته یا این تظاهرات ها را سازمان دادند. در زیر گزارش برخی از این تظاهرات ها را ملاحظه میکنید:

لندن

در تظاهرات امروز در لندن اعضا و مسئولین اتحادیه های کارگری از جمله فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، اتحادیه سراسری کارگران راه آهن و ترانسپورت بریتانیا (RMT)، عفو بین الملل، گروه دفاع از حقوق همجنسگرایان (Outrage)، سازمان Worker's Liberty و چند حزب و سازمان سیاسی و نهاد ایرانی شرکت داشتند.

در این آکسیون که به مدت دو ساعت در مقابل سفارت رژیم اسلامی به طول انجامید دیوید کرافت رئیس ITF و تعدادی دیگر از مسئولین ITF، یکی از رانندگان اتوبوس (از اتحادیه T&G) به نمایندگی از رانندگان اتوبوس شمال غربی لندن، پیتر تاچل از گروه Outrage، بهرام سروش از کمیته بین المللی همبستگی کارگری، جلیل جلیلی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و همچنین تعدادی دیگر سخنرانی کردند. سعید پرتو نیز در طول تظاهرات مرتباً به زبان انگلیسی در مورد مبارزات مردم در ایران و سرکوبهای رژیم صحبت میکرد. در طول آکسیون شعارهایی در حمایت از آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی و کارگرانی که در زندان

هستند و همچنین شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد همبستگی بین المللی داده میشد. اطلاعیه حزب به زبان انگلیسی و نشریه انگلیسی "کارگران در ایران" را در بین شرکت کنندگان پخش شد. چند تن از مسئولین ITF بسته هایی را که حاوی طومارها و نامه های اعتراضی به دستگیری اسانلو و صالحی بود را به سفارت جمهوری اسلامی بردند اما مزدوران اسلامی در را باز نکردند و از ترس شان هیچ عکس العملی نشان ندادند. مسئولین ITF به عنوان اعتراض بسته ها را جلو در سفارت گذاشتند.

اسلو

فعالین چهار اتحادیه کارگری نروژ، سازمانهای چپ و مخالفین جمهوری اسلامی ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کردند. پراستولد سخنگوی اتحادیه ترانسپورت به نمایندگی از سوی چهار اتحادیه

Transportarbeiderforbundet, Fagforbundet, Jernbaneforbundet, Yrkestrafikkforbundet

جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب فعالین کارگری محکوم کرد و خواهان آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی گردید. نامه اعتراضی اتحادیه های کارگری به سفارت جمهوری اسلامی داده شد. فعالین حزب با شعارهای آزادی بی قید و شوق و فوری اسانلو و صالحی در این تظاهرات شرکت داشتند و نشریه انگلیسی "کارگران در ایران" که از طرف کمیته بین المللی همبستگی کارگری ویژه اقدام جهانی ۹ اوت منتشر شده است را توزیع کردند. حضور کارگران نروژی در این تظاهرات چشمگیر بود. بیش از نیمی از شرکت کنندگان در تظاهرات را اعضا اتحادیه های کارگری نروژ تشکیل میدادند.

فرانکفورت

تظاهرات با حضور ده ها نفر از فعالین اتحادیه ترانسپورت فرانکفورت و حزب چپ آلمان، حزب کمونیست کارگری ایران، فعالین چپ و دیگر مخالفین جمهوری اسلامی ایران ساعت ۲ بعد از ظهر در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران

برپا شد. اودوماکه نماینده اتحادیه ترانسپورت در سخنرانی خود جمهوری اسلامی را بخاطر دستگیری کارگران محکوم کرد و خواهان آزادی آنها شد. نمایندگان اتحادیه ترانسپورت و حزب چپ قصد داشتند که نامه اعتراضی خود را به سفارت تحویل دهند که پلیس مانع شد. در این نامه اعتراضی خواهان آزادی اسانلو و محمود صالحی و دیگر رهبران دستگیر شده کارگری و به رسمیت شناختن تشکیلات های کارگری شده بودند. رادیو فردا با شهناز مرتب در باره این تظاهرات مصاحبه نمود. گزارشی نیز به تلویزیون کانال جدید داده شد.

هامبورگ

در پی فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران کمیته برمن و واحد حزب در هامبورگ، اقدام به برگزاری آکسیون اعتراضی در مقابل کنسولگری رژیم در هامبورگ نمودند. این تظاهرات به مدت ۲ ساعت از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر برگزار گردید. رادیو فردا با داریوش بیگی یکی از مسئولین تظاهرات مصاحبه ای انجام داد که بلافاصله از آن رادیو پخش شد. همچنین گزارشی به پیغامگیر تلویزیون انترناسیونال داده شد.

هلسنکی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در فنلاند همراه با احزاب و سازمانهای دیگر از ساعت ۱۴ الی ۱۵ و ۳۰ دقیقه اقدام به برگزاری تجمعی در میدان مرکزی شهر هلسنکی نمود. در این تجمع اطلاعیه های حزب و همچنین نشریه کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری در میان مردم توزیع شد. شرکت کنندگان با در دست داشتن شعارهایی مبنی بر آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی و منصور اسانلو، آزادی همه زندانیان سیاسی، مرگ بر جمهوری اسلامی در این تجمع شرکت داشتند. سپس شرکت کنندگان به طرف سفارت جمهوری اسلامی حرکت کردند و راس ساعت ۱۶ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی که اعضا و فعالین احزاب دیگری نیز هم حضور

داشتند، حاضر شدند. جمعیت شرکت کننده با سر دادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی! اسانلو- صالحی آزاد باید گردند! سرنگون باد رژیم تروریستی اسلامی! همگی یکصدا خواهان آزادی بی قید و شرط این دو فعال کارگری شدند.

نمایندگان هر کدام از احزاب شرکت کننده به ایراد سخنرانی و پیام پرداختند. عبدل گلپریان به نمایندگی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران در باره دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری، ایجاد فضای رعب و وحشت و اعدامهای اخیر در ایران سخنرانی کرد. ا. و توحش رژیم علیه مردم و کارگران را ناشی از ترس و وحشت رژیم از سرنگونی اش توسط مردمی که کمر به نابودی اش بسته اند، خواند. رادیو فردا در مصاحبه کوتاهی با عبدل گلپریان گزارشی از این حرکت اعتراضی و خواست و مطالبات شرکت کنندگان داشت. بدنبال آن فراخوان مشترک جامعه بین المللی حقوق بشر و کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت هفته اعتراض بین المللی علیه اعدام در ایران توسط عبدل گلپریان خوانده شد. این تجمع در مقابل سفارت رژیم اسلامی در هلسنکی به مدت یک و نیم ساعت و با سر دادن شعارهایی علیه رژیم اسلامی پایان رسید.

لاسه

از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر تظاهراتی در شهر لاهه در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران بر پا شد. ده ها نفر از اعضا و فعالین احزاب و سازمانهای سیاسی و مخالفین جمهوری اسلامی ایران در این تظاهرات شرکت داشتند. شرکت کنندگان با شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، اسانلو، صالحی آزاد باید گردند و مرگ بر جمهوری اسلامی خواستار آزادی فوری وبدون قید و شرط محمود صالحی ومنصور اسانلو و کلیه زندانیان سیاسی شدند. فرشاد حسینی، بهمن ذاکر نژاد و فرشته مرادی از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران طی سخنرانیهایی به زبانهای فارسی وهلندی ضمن توضیح روند رویه

گسترش مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، موج جدید سرکوب اعتراضات کارگران، دانشجویان، معلمان وزنان را محکوم کردند. این تظاهرات با خواندن سرود انترناسیونال توسط شرکت کنندگان پایان رسید.

استکهلم

تظاهرات و اجتماع اعتراضی با شکوهی در مقابل سفارتخانه جمهوری اسلامی در استکهلم برگزار شد. این تظاهرات با حضور گسترده مردم آزادخواه همراه بود. تظاهر کنندگان همصدا با مردم دیگر نقاط دنیا خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی و منصور اسانلو و کلیه زندانیان سیاسی در ایران شدند. تدارکات وسیع و گسترده ای برای انجام موفقیت آمیز این تظاهرات صورت گرفته بود. کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران با صدور يك اطلاعیه به زبان سوئدی از احزاب و اتحادیه های کارگری سوئد خواسته بود که در این تظاهرات شرکت کنند که این دعوت با استقبال مواجه شد. همچنین در سطح رادیوهای محلی شهر تبلیغات گسترده ای برای شرکت هر چه بیشتر مردم در این تظاهرات صورت گرفت. دقایقی پیش از شروع تظاهرات، اندرش لارشون مسئول روابط بین المللی ال او نامه اعتراضی دبیر سازمان سراسری کارگران سوئد به احمدی نژاد را بطور حضوری در اختیار سفارت جمهوری اسلامی قرار داد. تظاهرات راس ساعت ۲ بعد از ظهر با اجتماع بزرگی از مردم معترض آغاز شد. فریاد شعارهای "اسانلو و صالحی را آزاد کنید"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گرد" و "زنده باد همبستگی کارگری" در فضا طنین انداز بود. سخنرانی های متعددی در محکومیت جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات کارگران و مردم آزادخواه ایران صورت گرفت. پیا اطمیابی یکی از گردانندگان این برنامه بود که به زبان سوئدی با حاضرین سخن می گفت. در این تظاهرات سیامک

قطعنامه در باره جنبش آزادی زن در ایران مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آراء)

۱- عامل بقا و بازتولید فرودستی زن در دنیای امروز نظام سرمایه داری است. ستمکشی زن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، و فرهنگی است و در همه جوامع موجود به درجات مختلف در این ابعاد قابل مشاهده است. جنبش علیه تبعیض جنسی نیز جهانی است.

۲- در دوران پسا جنگ سرد افسارگسیختگی سرمایه داری بازار آزاد، سلطه نئوکنسرواتیسم، و عواقب سیاسی و اجتماعی نظم نوین جهانی نظیر بجلو رانده شدن مذهب و قومیت در جامعه و سیاست، و رونق یافتن مکاتب ارتجاعی نظیر نسبیست فرهنگی و نفی ارزشهای جهانشمول انسانی، به تنزل موقعیت و حقوق زنان در جامعه منجر شده است. در چنین شرایطی مبارزه علیه ستم بر زنان، مانند مبارزه علیه هر نوع تبعیض و نابرابری، اساسا میتواند از یک موضع چپ و تحت پرچم نقد و اعتراض سوسیالیستی به کل وضع موجود به پیش برود، وضعیت زنان را بهبود ببخشد و در نهایت آزادی زن را متحقق کند. در شرایط امروز دنیا جنبش چپ و کمونیسم کارگری نیروی محرک و پیشبرنده جنبش علیه تبعیض جنسی است.

۳- جمهوری اسلامی نمونه بارز توحش و عقب ماندگی بورژوازی عصر نظم نوین سرمایه داری در برخورد به مساله زن است. در ایران ستم بر زنان به افراطی ترین و صریح ترین اشکال اعمال میشود. فرودستی و تحقیر زن، تحمیل شدیدترین تبعیضات حقوقی و اقتصادی و اجتماعی به زنان و آپارتاید جنسی یک رکن ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی و جزئی از فرهنگ رسمی و قوانین دولتی در ایران است. جمهوری اسلامی یک حکومت آپارتاید جنسی است که فرودستی زن، تحقیر زن و تبعیض نسبت به زنان را بمراتب تشدید کرده، به آن ابعاد وسیع و بیسابقه ای داده و در قوانین و سیستم حقوقی خود رسمیت بخشیده است.

۴- در افکار عمومی و فرهنگ جامعه، دردرد مردم از نقش و جایگاه زن و بویژه تلقی و انتظار زنان

از موقعیت خود در جامعه، و در روابط خانوادگی و اجتماعی مردم با یکدیگر، حرمت و جایگاه زن بسیار بالاتر از موقعیت قانونی و رسمی زن است که حکومت اسلامی به جامعه تحمیل کرده است. این تقابل در یک مقیاس وسیع اجتماعی یکی از عوامل مهم رشد و گسترش جنبش علیه تبعیض جنسی در ایران است.

۵- در ایران مساله زن قبل از هر چیز یک مساله صریح و بلاواسطه سیاسی است و مستقیما به بود و نبود جمهوری اسلامی مربوط میشود. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ستمکشی زن در ایران بوسیله حکومت وسعت یافته و تشدید شده است.

هر درجه پیشروی جنبش آزادی زن جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت و نظام تضعیف میکند و بر عکس هر اندازه تقویت سلطه جمهوری اسلامی اعمال فشار و تبعیض نسبت به زنان را تشدید میکند. این واقعیت بیش از هر چیز در مساله حجاب و "بدحجابی" زنان، که در واقع به یک بارومتر سیاسی و معیار سنجش درجه ضعف و قدرت رژیم تبدیل شده، قابل مشاهده است.

۶- مبارزه برای آزادی زن در ایران از مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و سیستم آموزشی، و مذهب زدائی از کل جامعه و زندگی اجتماعی مردم جدائی ناپذیر است. جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت مبتنی بر مذهب و ایدئولوژی و قوانین مذهبی مانع اصلی رهایی زن و هرگونه بهبود در موقعیت زنان در ایران است.

۷- جنبش علیه ستم جنسی در ایران از همان بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ابعاد گسترده ای شکل گرفته و به پیش رفته است. زمینه و پایه عینی این جنبش اعتراض علیه تحقیر و فرودستی و بیحقوقی مفرطی است که جمهوری اسلامی به زنان تحمیل کرده است.

جنبش علیه تبعیض جنسی در طول ۲۸ سال گذشته در اشکال مختلف علیه ستم و سرکوب سازمان یافته بر علیه زنان در دانشگاه و مدرسه، در کارخانه و اداره، در خیابان و خانواده جریان داشته است.

اعتراض هر روزه و دائمی علیه حجاب اسلامی، پس زدن سیاست جدا سازی زنان و مردان، زیر پا گذاشتن قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان، مقابله عملی با تلاش جمهوری اسلامی برای خانه نشین کردن زنان، و همچنین حضور فعال زنان در عرصه تحصیل و آموزش، مخالفت با آموزش خرافات مذهبی که موقعیت فرودست زن را تقدیس می کند، تلاش برای کسب حقوق برابر در امور مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق و سرپرستی اطفال و همچنین مخالفت با اخلاقیات و سنتهای مرد سالارانه جلوه های مهمی از این مبارزه دائمی بوده است.

۸- مبارزه علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسی، علیه قوانین اسلامی و سیستم حقوقی ضد زن، مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش، و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن، مهمترین عرصه های جنبش آزادی زن در ایران است. موقعیت و نقش جنبشهای اجتماعی و نیروهای سیاسی در قبال مساله زن اساسا بر مبنای مواضع و برخوردشان به این مسائل و بویژه موضع آنها در مقابل جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن و اصلی ترین مانع بر سر آزادی زنان تعیین میشود.

۹- کل نیروهای اپوزیسیون راست، اعم از سلطنت طلبان و نیروهای ملی اسلامی مانعی بر سر راه برابری زن و مرد و آزادی واقعی زنان محسوب میشوند. جریانات سلطنت طلب و کل طیف ناسیونالیستهای پروغرب تلاش دارند تا بی حقوقی مفرطی که جمهوری اسلامی به زنان تحمیل کرده است را دلیلی بر مطلوبیت وضعیت گذشته قلمداد کنند و جنبش علیه تبعیض جنسی را به زائده حرکت راست و رو به عقب ناسیونالیسم عظمت طب ایرانی تبدیل نمایند. اما رادیکالیسم جنبش آزادی زن در مبارزه با مذهب و حکومت مذهبی و آزادی خواهی و برابری طلبی ماکسیمالیستی اش مانع از آن شده است که ناسیونالیسم

پروغرب نفوذ جدی در این جنبش داشته باشد. ناسیونالیسم پروغرب هیچ زمان، نه در قدرت و نه در اپوزیسیون، خواهان آزادی و برابری زن و مرد نبوده است. ناسیونالیسم از آنجا که خود به فرهنگ مردسالارانه و سنتی مبتنی است و از آنجا که نهایتا خواهان حفظ مذهب رسمی و نقش بنیادی مذهب در جامعه است، عملا در مقابل رادیکالیسم جنبش آزادی زنان قرار گرفته و بدرجات زیادی در این جنبش منزوی است.

۱۰- جریانات مختلف اپوزیسیون ملی اسلامی نظیر دودرادی ها با علم کردن "فمینیسم اسلامی" و خواست یک جمهوری اسلامی اصلاح و تلطیف شده تلاش دارند جنبش علیه ستم جنسی را به حرکتی قانونگرایانه در چارچوب جمهوری اسلامی محدود کنند. این جریانات تحت لوای قانون گرایی و فمینیسم میکوشند تا اعتراض و مبارزه جنبش آزادی زن علیه جمهوری اسلامی و حجاب و آپارتاید جنسی اش را مهار کنند و به بیراهه ببرند. نیروهای ملی - مذهبی بخاطر خصلت عینی ضد مذهبی و ضد جمهوری اسلامی جنبش آزادی زن در این جنبش پایگاه مادی ندارند و روز بروز بیشتر منزوی میشوند.

۱۱- هم گرایش راست پروغربی و طرفدار سلطنت و هم جنبش ملی اسلامی به دلیل پایبندی عمیق و ماهوی خود به مذهب و سنتهای مردسالارانه و وحشت خود از تحولات ریشه ای در جامعه، نه فقط بهیچ وجه قادر به پاسخگویی به مساله زنان در ایران نیستند بلکه از نظام و سیستمهای اجتماعی و سیاسی ای دفاع میکنند که ستمگری علیه زنان جزء ذاتی آنهاست. آنچه آنها را در این زمینه از هم متمایز میکند درجه و اشکال ستمگری و تبعیض علیه زنان است. این جریانات با جنبش آزادی زن و خواستهای آزادی طلبانه زنان بی ربطند.

۱۲- بطور عینی و واقعی، نیروئی که مبارزه برای آزادی زن در ایران را نمایندگی میکند و آنرا به جلوسوق میدهد چپ و کمونیسم کارگری است. جنبش کمونیسم کارگری و آزادیخواهی چپ و سوسیالیستی در ایران از همان تظاهرات علیه حجاب در اسفند ۵۷ بعنوان پرچمدار و مدافع بی تحقیر مبارزه علیه حجاب، علیه حکومت

مذهبی، و برای برابری بی قید و شرط زن و مرد در ایران ظاهر شده است. خواست ها و شعار های رادیکالی که اکنون در جنبش رهایی زن در ایران جا باز میکنند، از "لغو آپارتاید جنسی" تا "لغو حجاب" تا برابری بی قید و شرط زن و مرد در تمامی عرصه های سیاسی و اقتصادی و خانواده تا شعار "آزادی زن، آزادی جامعه است" همه و همه با مطالبات و برنامه و مبارزه کمونیسم کارگری و حزبش و مجموعه تلاش های سوسیالیستی بویژه در دو دهه گذشته در ایران گره خورده است. تثبیت ۸ مارس در مقابل آلترناتیوهای اسلامی و سلطنتی تحت نام روز زن و دست بالا داشتن شعارهای چپ و رادیکال در جنبش رهایی زن و خصلت آزادیخواهی بی تحقیر آن تماما انعکاس حضور قدرتمند چپ و آزادیخواهی سوسیالیستی در ایران است. از سوی دیگر وجود یک جنبش رادیکال و چپ آزادی زن خود وجهی از قدرت و پایه اجتماعی چپ در ایران است.

۱۳- جنبش رهایی زن در ایران بخش رادیکال، پرتحرک و پیشتاز حرکتی جهانی در مقابله با ارتجاع قومی و مذهبی و به شدت زن ستیز در دوره عروج نئوکنسرواتیسم و اسلام سیاسی و عقبگردهای سرمایه داری معاصر است. آزادی زن در ایران تاثیرات مستقیمی بر جنبش رهایی زن در همه کشورها و جوامع اسلام زده، و حتی جوامع غربی که به یمن سیاست های سازشکارانه دولت ها با اسلام سیاسی به انواع مماششت در قبال حجاب، قتل های ناموسی و قوانین ضد زن اسلامی تن داده اند، خواهد داشت. در عین حال حمایت مردم آزادیخواه و برابری طلب و سکولار جهان از مبارزه و خواست های جنبش علیه تبعیض جنسی در ایران نقش موثری در پیشروی این جنبش ایفا میکند.

۱۴- رهایی زنان در قدم اول در گرو این است که جنبش آزادی زن حول خواست های همه جانبه و رادیکال خود در ابعاد وسیع و توده ای متشکل شود. باید مواضع و نیروهای بازدارنده ای نظیر جریانات ملی-اسلامی نقد و افشاء شوند و خنثی گردند. چپ و رادیکالیسم نه فقط در شعارها و افق، بلکه باید در عرصه عمل و سازماندهی توده ای

تظاهرات

به اقدام جهانی ۹ اوت پیوندید!

برای آزادی محمود صالحی، منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی به میدان آید!

با فراخوان دو اتحادیه کارگری به اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی فعالیت گسترده‌ای در خارج بر راه افتاده است. در داخل ایران نیز فعالیت های چشمگیری مشاهده میشود. به این مناسبت تظاهرات هائی در کشورهای مختلف برگزار میشود. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه شما را به شرکت فعال در این تظاهرات ها فرامیخواند. ۹ اوت را به روز مبارزه گسترده برای آزادی منصور اسانلو، محمود صالحی، دانشجویان زندانی پلی تکنیک و همه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم!



پنجشنبه ۹ اوت ۲۰۰۷

کانادا- ونکوور

از ساعت ۵ بعد از ظهر مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکوور این تظاهرات همراه با شماری از اتحادیه های کارگری برگزار میگردد. در این تظاهرات نمایندگان از فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا، اتحادیه کارکنان بیمارستانها، رانندگان اتوبوس، فدراسیون معلمان بی سی، شورای کارگران شهر و تنی چند از فعالین سیاسی اجتماعی سخنرانی خواهند داشت. تلفن تماس: عباس ماندگار 6047278986



کانادا- اتاوا

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۱۲ و نیم Metcalfe Street 245
تلفن تماس: بدی محمودی 14167269321

سوئد- استکهلم

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۲ بعد از ظهر
تلفن تماس: جمیل فرزاد 0703610279

این تظاهرات با حضور تعدادی از نمایندگان سازمان های چپ و کارگری برگزار میگردد.

سوئد- مالمو

میزب اطلاعاتی از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در مقابل دفتر اتحادیه واقع در فولکت هوس، ساختمان اولاف پالنه پالاتسن و از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در میدان ترانگن
تلفن تماس: فریده آرمان 0703638088

سوئد- یوتبری

از ساعت ۵ بعد از ظهر ((Brunnsparken برونر پارک))
تلفن تماس: بهروز مهر آبادی 0704227196

انگلیس- لندن

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۱۲ ظهر
Kensington Gore, London SW7
52, 9, 10 اتوبوس های
تلفن تماس: شیوا محبوبی 07950924434

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

اگر از ایران ارسال میکنید:

میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم

نقاصا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

قابل توجه نویسندگان

انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب:
چهارشنبه ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی

حجم مطلب:

۱ صفحه و نیم آ۴، فوت ۱۴،
فاصله نرمال - word

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

فنلاند- هلسینکی

Hakaniemen tori تظاهرات از ساعت ۱۴ در میدان مرکزی
Kuolsaarentie 9 ساعت ۱۶ حرکت بطرف سفارت جمهوری اسلامی

در

تلفن تماس:

عبدل گلپریان و 40575825035800 0409111190

آلمان- هامبورگ

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۱ بعد از ظهر
Bebelalle 19

تلفن تماس:

حبيب نصوحی 01783379808

داریوش بیگی 01731637132

سیامک مکی 01724037035

آلمان- فرانکفورت

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۲ بعد از ظهر
Raimond str.90

تلفن تماس: سعید ویسی 01789252562 و

شهناز مرتب 01729716227

این تظاهرات با حضور تعدادی از نمایندگان اتحادیه های کارگری برگزار میگردد.

هلند- دنهاگ (لاسه)

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۲ بعد از ظهر

تلفن تماس: بهمن ذاکر نژاد 033649906014

نروژ- اسلو

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران از ساعت ۱۲ ظهر

Drammenveien 88E

OSLO 0244

تلفن تماس: صابر رحیمی 004798694001

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

جولای ۲۰۰۷

تلفن تماس: خلیل کیوان 0046704158999

فراخوان مشترک جامعه بین المللی حقوق بشر و کمیته علیه اعدام



مجرم کیست و چه کسی باید محاکمه شود؟

هرگونه اعتراضی در جامعه، شکنجه، بیش از صد هزار اعدام، ترور مخالفین، قتل‌های زنجیره ای، تحمیل بیحقوقی مطلق به زنان و ... و این تنها گوشه کوچکی از پرونده سران حکومت است.

مجرم کیست؟ کارگرانی که آزادی و رفاه می‌خواهند یا سران حکومت که دستور شلاق و زندان برای کارگران صادر میکنند؟

چه کسانی باید محاکمه شوند؟ کارگران یا سران رژیم؟ کارگران یا سران رژیم وزارت اطلاعات، کارگران یا ماموران شکنجه و شلاق، کارگران یا فرماندهان ارتش و سپاه پاسدار که شلاق سرمایه داران را بر کرده کارگران وارد میکنند؟ کارگران یا نمایندگان مجلس که قانون علیه مردم وضع میکنند، و وزرای حکومت و مدیران صدا و سیما؟ مردم زحمتکش یا آقا زاده‌های دزد و مفتخور، رهبران کارگری یا خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و شریعتداری و سایر مقامات ریز و درشت حکومت اسلام؟

مردم ایران حکمشان را صادر کرده اند. سرنگونی رژیم خواست فوری مردم ایران است و محاکمه سران رژیم به جرم ۲۸ سال جنایت علیه مردم، جزو اولین اقدامات مردم پس از سرنگونی این حکومت است.

احکام زندان و شلاق برای ۱۳ نفر از فعالین کارگری در سنندج باطل است. محکوم است و باید فوراً لغو شود. این سران رژیمند که باید به دادگاه کشانده شوند.

مردم آزاده، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، زنان و جوانان

به این وحشیگری حکومت سرمایه داران اعتراض کنید. فعالین کارگری را میکوبند، بی‌حرمت میکنند، شلاق میزنند و به زندان می‌اندازند که استثمار بیشتر، فقر بیشتر و بی‌حقوقی بیشتری به شما تحمیل کنند. خواهان لغو این احکام جنایتکارانه، و آزادی فوری محمود صالحی و اسانلو و همه زندانیان سیاسی شوید.

۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج به نامهای:

خالد سواری

اقبال لطیفی

یدالله مرادی

طیب ملائی

فارس گویلیان

صدیق امجدی

حبیب‌الله کله کانی

محمی الدین رجبی

طیب چتانی

صدیق صبحانی

و عباس اندریاری

مجرم شناخته شدند و به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

قبلاً شیث امانی و صدیق کریمی نیز به جرم فعالیت در این اتحادیه و شرکت در مراسم اول ماه مه به دادگاه کشانده شده اند و دارند علیه شان حکم صادر میکنند.

این ۱۳ نفر از مسئولین اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بی‌کار و فعالین کارگری شهر سنندج هستند.

جرم کارگران: اخلاص در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمع اول ماه مه اعلام شده است!

جرم های دیگر: ایجاد اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بی‌کار، اعتراض به سطح پائین دستمزدها، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، اعتراض به اخراج و ندادن بیمه بیکاری به افراد بی‌کار، اعتراض به قراردادهای موقت و سفید امضا!

جرم رژیم: سرکوب تجمع اول ماه کارگران با گاز فلفل و باتوم، بازداشت کارگران، توهین و بی حرمتی به آنها، تهدیدات مکرر آنها، محکوم کردن یازده نفر از آنها به شلاق و زندان. بازداشت صدیق کریمی و شیث امانی، مصدوم کردن شیث امانی از ناحیه زانو و صدیق کریمی از ناحیه گوش.

جرمهای دیگر رژیم: استثمار شدید کارگران و تحمیل فقر به همه کارگران و اکثریت عظیم مردم، به رسمیت نشناختن آزادی بیان و حق تشکل و اعتصاب، تحمیل بی حقوقی به مردم، سرکوب اعتراضات کارگران، سرکوب زنان، سرکوب

نوشتن و افشاسازی در رسانه ها و مطبوعات، ملاقات با سازمانها، نهادها و کمیسیونهای مدافع حقوق بشر، با فشار به دولت ها و مراجع بین المللی و هر شکل دیگری که مناسب میدانید، برای توقف اعدام ها اقدام کنید.

باید جلو جنایات گسترده و روزمره جمهوری اسلامی علیه مردم را گرفت. بساط اعدام باید برچیده شود. مجازات اعدام و قتل عمد دولتی باید ملغی شود. از همه شما که به جنایات جمهوری اسلامی اعتراض دارید، از همه کسانی که از صحنه های شنیع اعدام جانشان به لب رسیده است، دعوت میشود فعالانه به این کمپین جهانی بپیوندند و در برنامه هائی که برگزار میشود با تمام قوا شرکت کنند!

ما در اطلاعیه های بعدی جزئیات برنامه ها در کشورهای مختلف را اعلام خواهیم کرد.

جامعه بین المللی حقوق بشر
کمیته بین المللی علیه اعدام

تکرار شوند. بیاد بیاوریم که بفرمان سران جمهوری اسلامی ایران در دهه هشتاد در فاصله سال های ۸۱ تا ۸۳ میلادی ده ها هزار نفر را بجزوخه های اعدام و طناب دار سپردند و در تابستان ۱۹۸۸ هزاران زندانی سیاسی دیگر در عرض چند هفته دسته جمعی تیرباران و در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شدند. متأسفانه دولتهای غربی و رسانه های بین المللی نسبت به این جنایات سکوت کردند و مردم دنیا را در بی خبری کامل نگهداشتند.

به میدان بیائید تا ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی ایران را متوقف کنیم! نباید اجازه داد که قتل های سازمان یافته و دولتی جان مردم را بگیرد. وحشت بر جامعه حاکم شود! خانواده های بسیاری داغدار شوند! دنیای کودکان با غم عجین شوند! نگذاریم! نگذاریم!

به هر شکل که میتوانید اقدام کنید، با برگزاری میتینگ و تظاهرات، برپایی تجمع و تحصن، با

موج تازه ای از اعدام در ایران براه افتاده است. در هفته های گذشته بیش از ۲۵ نفر در شهرهای مختلف ایران اعدام شده اند. تصاویر تکانهنده صحنه های اعدام که غالباً در انتظار عموم و برای ایجاد رعب و وحشت مردم انجام میشود، در روزنامه ها و شبکه های اینترنتی قابل مشاهده است. مقامات ارشد قضایی جمهوری اعلام میکنند که اعدام های بیشتری صورت خواهد گرفت. خطر اعدام زندانیان بی‌شماری از جمله زندانیان سیاسی در ایران را بیش از پیش تهدید میکند. باید جلو این توحش را گرفت!

"جامعه بین المللی حقوق بشر" و "کمیته بین المللی علیه اعدام" در اعتراض به موج اعدام های گسترده در ایران، از روز ۱۳ تا ۲۱ ماه جاری (اوت) هفته اعتراض بین المللی را فرا میخوانند.

مردم آزاده جهان!
نباید اجازه داد صحنه های اعدام

از صفحه ۱ مردم، جلوی قاتلان اسلامی ...

لغو و همه احکام اعدام اخیر باید فوراً متوقف شود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اوت ۲۰۰۷، ۱۲ مرداد ۱۳۸۶

نمایش های شنیع صحنه های اعدام و جنایت رژیم اعتراض کنید. پاسخ حکومت قاتلان اسلامی تنها یک جنبش وسیع و قدرتمند برای لغو مجازات اعدام، برای احترام به حرمت و آزادی و رفاه و آسایش بشر است. به جنبش لغو فوری مجازات اعدام بپیوندید. مجازات اعدام باید فوراً

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید**

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید

از صفحه ۲ در میان دو ارتجاع

ارائه يك سيستم سياسي هماهنگ با مقتضيات سرمايه داری قرن بيست و يك و ادغام اين جوامع در سرمايه داری را ميشناسند، و همچنانکه اشاره کردم امکان و زمينه عروج اين جنبش در متن ورشکستگی تاريخی آلترناتیو سنتی غرب و طبقات حاکم در اين جوامع یعنی ناسیونالیسم را بعينه ميپيوند. اينجاست که پروژه تبليغی "اسلام بر دو نوع است" در دستور سياسي دول غرب و طبقات سرمايه داری کشورهای اسلام زده قرار گرفته است: اسلام فاندمنتالیست و اسلام میانه رو. اسلام ارتجاعی و اسلام مدرن. اسلام خوب و اسلام بد. و درست در متن چنین تحلیلی، مدنیهاست که دول غرب و طبقات سرمايه دار در کشورهای اسلام زده، زیر بال "اسلام مدرن و میانه رو و معتدل" در مقابل اسلام ایدئولوژیک فاندمنتالیست را گرفته اند.

این پروژه البته در هر جایی رنگ تحولات آن جغرافیا را به خودش ميگيرد. در افغانستان رنگ لويه جرگه متشکل از شیوخ و جنگ سالاران و روسای قبایلی را بخود ميگيرد که هر کدام پرورنده سنگینی از جنایت علیه مردم افغانستان را زیر بغل دارند. در عراق رنگ مجلس عشيره ای-قبیله ای-ملی-اسلامی را به خودش ميگيرد که دست کمی از برادران و ایضا خواهران لويه جرگه ای خود ندارند. در ایران در قالب آخوند خاتمی ظاهر میشود و در شکل آخوند گنجی و آخوند شیرین عبادی دوباره آزمایش میشود و امروز در ترکیه رنگ دولتی از طرف حزب عدالت و توسعه را به خود گرفته است.

همه این رنگها هم به هم شباهت دارند و هم از یکدیگر متفاوتند. شباهتشان این است که قرار است آلترناتیوی در خدمت تداوم نظام طبقاتی حاکم باشند. تفاوتشان مربوط به این است که این آلترناتیوها در کشورهای مختلف در توازن طبقاتی و سیاسی متفاوت اشکال متناسب آن کشورها را باید به خودشان بگیرند. اگر در ایران ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) حزب جمهوری اسلامی شکل ابزار سرکوب انقلاب، ابزار ضدانقلاب در دوره انقلابی را به خود گرفت و روی دریایی از خون کارگران و آزادیخواهان و کمونیستها

شکست يك انقلاب علیه نظام سرمايه داری را به فرجام رساند، در ترکیه ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) همان جنبش نقش دیگری را ایفا میکند. به مثابه آلترناتیو اسلامی پرو غرب در مقابل جنبش ناسیونالیستی سابقا پرو غرب و "اسلام فاندمنتالیست" و مهمتر از اینها طبقه کارگر و چپ و کمونیسم به میدان آمده است.

مضمون اقتصادی و سیاسی عروج حزب عدالت و توسعه

حقیقت سياسي پشت این اتفاق در ترکیه را از جانب بورژوازی جهانی از جمله بورژوازی ترکیه، نشریه اکونومیست و از جانب مردم و طبقه کارگر ترکیه، يك شهروند کارگر در پاسخ به سوال بی بی سی اعلام کرده اند.

اکونومیست با مقاله ای تحت این عنوان به استقبال انتخابات ترکیه رفت: "انتخاب رجب طیب اردوغان بهترین نتیجه برای انتخابات خواهد بود." اکونومیست در همان مقاله اردوغان را به خاطر ادامه راه کمال درویش ستایش کرد. و جالب است که کمال درویش در سال ۲۰۰۱، درست یکسال پیش از سرکار آمدن حزب عدالت و توسعه، زمانی که هنوز احزاب ناسیونالیست سرکار بودند وزیر اقتصاد بود و ایشان به عنوان آرشیکت "برنامه بازسازی اقتصادی" ترکیه بر طبق دستور عمل بانک جهانی انتصاب شده بود و حزب اسلامی اردوغان، روی بی خانمانی و فقر و بیکاری وسیع در ترکیه که کمال درویش احزاب ناسیونالیست بر جای گذاشته بود عروج کرد. ملاحظه ميکنید که اکونومیست هم کمال درویش احزاب ناسیونالیست را به عنوان کسی که راه را برای سرمايه های خارجی باز کرد ستود و هم رجب اردوغان را به عنوان ادامه دهنده راه کمال درویش. "بازارهای مالی"، یعنی همان نبض اقتصاد بازار آزاد سرمايه داری، آن موقع برای کمال درویش سر و دست شکستند و امروز برای رجب طیب اردوغان. همه این ها اعلام کردند که با انتخاب حزب عدالت و توسعه "آینده دموکراسی" تضمین شده است و تحولی مثبت صورت گرفته است. تا آنجا که به مقتضیات سرمايه جهانی از نقطه نظر اقتصادی مربوط

است، همین حمایت از کمال درویش و رجب اردوغان بهترین توضیح در باره معنای واقعی پیروزی "دموکراسی" و انطباق اسلام با مدرنیسم در ترکیه است. به این معنا اسلام سياسي با دموکراسی و مدرنیسم کاملا انطباق دارد. اکونومیست حرف دل بورژوازی جهانی از جمله بورژوازی ترکیه را ميزند. اما حرف دل مردم ترکیه علی العموم و کارگران ترکیه علی الخصوص را باید از زبان کارگری در استانبول شنید که از لابلای گزارش بی بی سی (برادر و یا خواهر تنی اکونومیست) به بیرون درز کرده است:

"حسین، کارگری که گویا بیشتر وقتها شب را روی سنگفرشهای خیابان استقلال به صبح می رساند در حالی که بروشورهای تبليغاتی احزاب مختلف را در دست گرفته با عصیانیت می گوید: "به جای این همه هزینه و کاغذ پاره و پرچم پخش کردن بهتر بود کمی هم فکر بیکاری ما بودند". و مرد نسبتاً مستی هم که از کنار ما می گذرد می گوید: "بیخود خیال خام نکن اینها فقط از انتخابات به انتخابات یاد مردم می افتند و با هزینه های گزاف به مردم هدیه و ساندویچ می دهند، بعد از انتخابات باز تو همین جا خوابیده ای و من باید با حقوق بازنشستگی ام سر کنم"."

هم اکونومیست و هم حسین و هم آن مرد نسبتاً مسن حقیقت را گفته اند. اکونومیست رجب اردوغان و حزب اسلامی عدالت و توسعه را ستایش میکند چون در این لحظه معین مناسبترین ابزار سرمايه داری جهانی برای سازمان دادن کار ارزان و کارگر خاموش در ترکیه است. حسین و آن مرد مسن هم دقیقاً با همین منطق ميگویند "اینها" (اینها یعنی تمام احزاب ناسیونالیست و اسلامی) فقط برای زیر پا گذاشتن ما کارگران در مقابل هم قرار گرفته اند.

در ترکیه نسخه پرو آمریکایی اسلام سياسي سر کار آمده است. تجربه ترکیه يك تجربه كاملا موفق از اسلام سياسي پرو غرب است. بشکن زندهای آمریکا و اتحادیه اروپا و بازارهای مالی دقیقاً به این خاطر است که پروژه شکاف انداختن در میان جنبش اسلامی، راه انداختن اسلام سياسي پرو غرب در ترکیه به بار نشسته است. با اتکا به تجربه

ترکیه هم میتوان در مقابل جنبش اسلامی ای که موی دماغ آمریکا میشود، يك آلترناتیو اسلامی علم کرد و هم میتوان اسلام سياسي به عنوان ابزار سياسي با ظرفیت ضد کارگری اش را حفظ کرد. به این معنا استقبال دول غرب بخصوص دولت آمریکا از پیروزی حزب عدالت و توسعه دو جنبه دارد: اولاً این حزب، مناسبترین الگوی سياسي اسلامی در مقابل جنبش اسلامی مدعی قدرت است که شاخ آمریکا و غرب شده است. و ثانياً این حزب، در متن ورشکستگی سياسي و اقتصادی احزاب سنتی ناسیونالیست، مناسبترین الگو برای پیاده کردن برنامه اقتصادی بانک جهانی سرمايه داری است. و ثالثاً، در متن نفرت عمومی علیه جنبش ناسیونالیستی و اسلامی، مناسبترین الگو و آلترناتیو در مقابل هر شکلی از ابزار وجود مستقل طبقه کارگر در منطقه است. از نقطه نظر بورژوازی جهانی و ترکیه، با علم کردن این حزب میتوان میدان را برای عروج طبقه کارگر، عروج احزاب چپ، عروج سوسیالیسم محدود کرد.

ناسیونالیسم و ارتش، نمایندگان قلابی سکولاریسم؛ اسلام سياسي، نماینده قلابی آزادی و انتخابات

این طنز تلخ و غم انگیز تاریخ سياسي ترکیه است که ارتش، نهاد قدیمی حافظ استثمار سرمايه داری در ترکیه، ابزار سرکوب فاشیستی به نام "ملت ترک"، امروز به عنوان مدعی اصلی حافظ سکولاریسم به میدان آمده است. در نقطه مقابل، در مقابل ارتجاع میلیتاریستی ناسیونالیسم، کثیفترین جنبش قرن حاضر، یعنی جنبش اسلامی به مثابه حافظ انتخابات و آزادی و "دموکراسی" ظاهر شده است. ارتجاع ناسیونالیستی با قدمت بیش از هشتاد سال در ترکیه، ارتجاع اسلامی زاییده است و ارتجاع اسلامی به ارتجاع ناسیونالیستی میدان ابراز وجود داده است. و البته این دو در يك میدان خالی اینچنین

یکه تازی میکنند. ترکیه، مکان یکی از متشکلاترین طبقه کارگر در کشورهای آسیا و خاورمیانه است. اما این طبقه متشکل، تا کنون نتوانسته است در حزب طبقاتی و سياسي کمونیستی خودش متشکل شود. سازمانهای چپ ترکیه که توسط احزاب ناسیونالیستی - فاشیستی حاکم "سکولار" در ترکیه سرکوب شده اند، هنوز خودشان در توهام ملی-مذهبی غرق هستند. بسیاری از این سازمانها هنوز نمیتوانند از میان دو ارتجاع ناسیونالیستی و اسلامی راه مستقل خود را پیدا کنند. اینها، بعد از گذشت قریب سه دهه از انقلاب ایران که در تجربه واقعی توم و اسطوره ملی مذهبی را جارو کرد، هنوز غرق توهام ملی - مذهبی هستند. بخش اعظم چپ در ترکیه هنوز نمیتواند به این حقیقت ساده پی ببرد که راه طبقه کارگر ترکیه راهی مستقل از احزاب ملی و مذهبی است. شکافی که در آن طبقه کارگر ترکیه حضور مستقل طبقاتی ندارد، با حزب سياسي خودش به میدان نیامده است، توسط احزاب و گرایشات ناسیونالیستی و اسلامی پر شده است. در تظاهرات وسیع اخیر استانبول با شرکت بیش از يك میلیون نفر، تظاهر کنندگان با شعار نه به کودتا و نه به شریعت، علناً و صریحاً و با صدای بلند در مقابل هر دو نیروی ارتجاع در ترکیه، احزاب ناسیونالیست و ارتش به عنوان متولی خود گمارده سکولاریسم، و حزب عدالت و توسعه به عنوان مدافع دروغین آزادی و انتخابات ایستادند. به هر دو نیرو اعلام کردند که مردم ترکیه مجبور نیستند از دست فاشیسم احزاب ناسیونالیستی و ارتش به دامن اسلام سياسي پناه ببرند و از دست ارتجاع اسلامی به دامن فاشیسم ناسیونالیستی. این بر عهده طبقه کارگر، چپ و کمونیسم در ترکیه است که این میدان را خالی نگذارد و مردم ترکیه را در میان دو ارتجاع رها نکند.*

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

تابستان ۸۶

منصور ترکاشوند

جمهوری اسلامی، که قبلا در دو تابستان دیگر، تابستانهای شصت و شصت هفت، دست به کشتار جمعی زده بود، تابستان هشتاد و شش را نیز به پرونده جنایات و کشتارهای جمعی خود اضافه کرده است.

در آن تابستانهای دردناک، شریفترین انسانهای کمونیست و آزاده، به جرم طلب آزادی و برابری و رفاه عمومی و به اتهام "محاربه با خدا" بعد از وحشیانه ترین شکنجه ها، تیر باران و یا به دار آویخته شدند و در تابستان جاری نیز انسانیایی به "جرم" "اراذل و اوپاش و مخمل امنیت" بطور جمعی و بعد از شکنجه اعدام می شوند.

اگر از آن اعدامها، فقط چند عکس از چند اعدام دست جمعی، وجود دارد، ولی از اعدامهای هشتاد و شش نه فقط عکس که فیلم هم پخش می شود. در تابستان شصت فقط چند عکس اعدام جمعی را برای ایجاد رعب و وحشت در روزنامه ها چاپ کردند و در تابستان شصت و هفت هم، بی آنکه عکسی منتشر نکنند، بی سرو صدا و در زندان کشتار کردند، ولی حالا نه فقط عکس که در تلویزیون فیلم اعدام پخش میکنند و قاضی مرتضوی مثل همه جانیان تاریخ، با لبخند صحنه های اجرای اعدام را نظارت میکند. چقدر توحش برای لبخند زدن به اعدام انسان دیگر لازم است؟ اراذل و اوپاشی اگر هست خود این جانیان اسلامینند. از خامنه ای

واحدی نژاد و قاضی مرتضوی اراذل و اوپاشتر وجود ندارد، ولی همین اراذل و اوپاش هم نباید اعدام بشوند. اعدام شنی-عترین قتل عمد است. باید علیه اعدام به میدان آمد. باید نشان داد جان باختگان این روزها نه به دلیل جرمهایی که به آنها منتسب می کنند، که برای سرکوب و خفنه کردن صدای اعتراضات مردم بجان آمده، جان میبازند. اینها قربانیان وضعیت موجودند، نه مستحقین مرگ بدلیل "گناهانی" که قاتلین اسلامی تحت عنوان این "گناهان" حلق آویزشان می کنند.

این اعدامهای دستجمعی پرده آخر جنایت برای سر کوب است. امروز جرات ندارند به اسم کمونیست و یا به اسم مخالف سیاسی کسی را اعدام کنند. جرات ندارند بگویند این فرد کمونیست است و به همین جرم می خواهیم اعدامش کنیم، جرات ندارند بگویند این فرد سوسیالیست است و یا مخالف سیاسی ماست و می خواهیم اعدامش کنیم، لذا به جان آدمهایی افتاده اند که خودشان قربانیان وضعیت موجودند، و برای بی تفاوت کردن اکثریت مردم در قبال این جنایات متوسل به عبارت "اراذل و اوپاش" شده اند. می خواهند با این عبارت به جنایاتشان مشروعیت بدهند. حتی جرمهای انتسابی به این قربانیان و لفظهای بسیار غلیظتر از "اراذل و اوپاش" در مورد آنها، قتل عمد دولتی یعنی اعدام را نه تنها توجیه نمی کند بلکه موجب نفرت بیشتر مردم از این جانیان حاکم می شود.

با راه انداختن جنبش وسیع علیه اعدام باید با تابستان هشتاد و شش مقابله کرد. باید مردم را به این جنبش دعوت کنیم. حزب رهبر- سازمانده، حزب اهل تغییر حزبی است که همین مسائل را، سر بزنگاه، طرح میکند و به پیش میبرد. "اعدام خوب" نداریم. اعدام خود جنایت دیگریست. هیچکس و به هیچ جرمی مستحق اعدام نیست. فارغ از اینکه اعدامی کیست و چه جرمی مرتکب شده باشد، اعدام ضد انسانیست و باید متوقف شود. اعدام ابزار دست دولت برای سرکوب مردمی است که دیگر جمهوری اسلامی نمی خواهند و باید متوقف شود.

اما تابستان هشتاد و شش تابستان دیگری است. پاییز این تابستان متفاوت است و متفاوتتر خواهد شد اگر کمونیزم کارگری نقش خودش را مثل همیشه ایفا کند. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که پاسخ مردم به هر موج سرکوب هر بار عمیقتر و شدیدتر است. پاییز هشتاد و شش می تواند عرصه شدیدترین حملات به اعدام باشد. جنبش علیه اعدام، فرصت پیش آمده را باید به بهترین شکلی علیه اعدام سازمان دهد.

اعدامهای تابستان هشتاد و شش نه برای "تامین امنیت اجتماعی" که برای تامین امنیت بقای نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی اجرا میشوند. با چوبه دار میشود مدتی ماند، اما نمی شود تا ابد اعدامهای جمعی را ادامه داد. روزی که مجبور می شوند از کشتار دست بکشند، روز تهاجم طرف مقابل، و این بار با شدتی بسیار بیشتر است.*

از صفحه ۴ قطعنامه دفتر سیاسی

زن، تحقق برابری و آزادی کامل و همه جانبه زنان و هر نوع بهبودی در موقعیت زن هستند را به اتحاد و مبارزه حول پرچم، شعارها و سیاست حزب کمونیست کارگری و تامین یک رهبری چپ و رادیکال در جنبش علیه ستمکشی زن فرامیخواند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۳۸۶، ۷ اوت ۲۰۰۷

نامه مینا احدی

به سازمان عفو بین الملل

به مسئولین حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه اروپا
رونوشت: سازمانهای مدافع حقوق انسانی



ابراز نگرانی زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام، از موج جدید جنایات جمهوری اسلامی خانها و آقایان! همانطور که میدانید جمهوری اسلامی موجی از اعدام و شکنجه در زندانها برآه انداخته است و نگرانی عمیقی را در میان زندانیان محکوم به اعدام دامن زده است.

روز سه شنبه ۳۱ ژوئیه تعدادی از زندانیان سیاسی و نیز زندانیان عادی از زندان اوین موفق شدند طی تماس تلفنی با من، نگرانی خود را از آنچه در هفته های گذشته در زندانها میگذرد مطلع کنند و خواست خود را برای در دستور گذاشتن اقدامات فوری و بین المللی برای جلوگیری از جنایات بیشتر جمهوری اسلامی مطرح نمایند.

تعدادی از زندانیان سیاسی گوهردشت نیز روز چهارشنبه تاریخ اول ماه اوت طی تماسی با من درمورد شایعه ای مبنی بر تکرار روزهای سیاه کشتار گروهی زندانیان سیاسی در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۸ صحبت کردند. از زندانهای گوهردشت، تبریز و شیراز و زاهدان نیز فعالین سیاسی و محکومین به اعدام طی تماسهایی با دوستان و خانواده هایشان در روزهای گذشته نگرانی خود را از موج جدید اعدامها در ایران اطلاع دادند و بر اقدامات گسترده داخلی و بین المللی برای متوقف کردن اعدامها تاکید کردند.

همچنین تعدادی از فعالین حقوق مدنی در ایران از من خواسته اند که کمک کنم تا با نمایندگان سازمان ملل و همچنین سفارتخانه های دول اروپایی و نمایندگان اتحادیه اروپا در ایران بتوانند ملاقات کنند. خواسته اند تا با تماس با آنها برایشان قرار ملاقات هائی فراهم کنیم.

امروز ضرورت اقدامات همه جانبه ای که جمهوری اسلامی را قویا تحت فشار بگذارد تا اعدامها را متوقف کند بیش از هر وقت محسوس است. اما یک واقعیت را

هم باید در نظر داشت و آن اینکه جمهوری اسلامی تحت فشارهای بین المللی موقتا کوتاه میاید اما جنایات خود را هرچند با تاخیر و یا سرعت کمتر اما همچنان ادامه میدهد و تا زمانیکه مجازات اعدام در ایران لغو نشده باشد، جمهوری اسلامی همچنان دست به کشتار خواهد زد و هرچند وقت یکبار با این ابزار به ارباب مردم دست خواهد زد.

ماخواهان تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی هستیم. تا نه تنها کلیه احکام اعدام را لغو کند بلکه کلا مجازات اعدام را لغو نماید. باید این ابزار جنایت را از جمهوری اسلامی برای همیشه گرفت. امیدوارم با دست زدن به اقدامات وسیع و بین المللی به این نگرانی زندانیان و تقاضای آنها پاسخ مثبت بدهید.

من به همه این افراد، زندانیان سیاسی، محکومین به اعدام و فعالین حقوق انسانی قول داده ام که کمیته بین المللی علیه اعدام و کمپین اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی این خواست و این ابراز نگرانی را به گوش همگان و همچنین نهادهای مدافع حقوق انسانی رسانده و اقدامات فوری را در دستور بگذاریم.

در اینجا از همه شما دعوت میکنم که با سرعت بیشتری اقدام کرده و جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار بیشتری بگذارید که از قتل عمد انسانها دست برداشته و این جنایات را فوراً متوقف کند.

با احترام
مینا احدی
کمیته بین المللی علیه اعدام
۳ اوت ۲۰۰۷



سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

از صفحه ۳

همایش با شکوه ...

بهاری از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، محمد امیری از طرف کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب، منوچهر ماسوری از جانب کمیته بین المللی علیه اعدام سخنرانی کردند و هر یک از زوایای گوناگون به موج تعرض جدید جمهوری اسلامی به کارگران و مردم ایران و راهکارهای مقابله با آن پرداختند. از دیگران سخنرانان این تظاهرات، عباس سماکار، شمس خرمی، مظفر فلاحی، ماریا رشیدی، اردوان زبیرام بودند. از میان سازمانها سوئدی نیز Christer Bengtsson از اتحادیه دانش آموزان سوسیالیست، Per-Åke Westerlund از حزب سوسیالیستهای عدالتخواه سوئد و Thomas از جبهه انقلابی سخنرانی کردند. این سخنرانان نیز شدیداً اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه کارگران را محکوم کردند و از مبارزات کارگران و مردم ایران به گرمی پشتیبانی کرده و خواستار پایان دادن به بساط اعدام و سرکوب در ایران و برسمیت شناسی حقوق کارگران و مردم شدند.

پایان این تجمع اعتراضی با برگزاری یک راهپیمایی به مسافت ۳۰۰ متر همراه بود که ضمن آن شعارهای بر علیه جمهوری اسلامی داده شد. جمیل فرزاد دبیر واحد حزب در استکهلم در مصاحبه کوتاهی با رادیو فردا گزارشی از این همایش را مخابره کرد. همچنین یک گزارش تصویری نیز برای تلویزیون کانال جدید تهیه شد. نشریه ویژه کمیته همبستگی بین المللی حزب بمناسبت ۹ اوت در میان حاضرین از پخش شدن و طومار حمایتی از منصور اسانلو و محمود صالحی از سوی مردم شرکت کننده در تظاهرات امضا شد.

گوتنبرگ

در شهر گوتنبرگ سوئد نیز تظاهرات گسترده ای با حضور مخالفین جمهوری اسلامی، احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ایرانی و شرکت حزب سوسیالیستهای عدالتخواه سوئد برگزار شد. از چند روز قبل از این تظاهرات واحد حزب کمونیست کارگری ایران در شهر گوتنبرگ با تبلیغات پر دامنه ای مردم را به شرکت در این اقدام جهانی

اعتصاب و سازمانیابی کارگران و در محکومیت موج اعدامهای اخیر به امضای دهها نفر رسید. خبرنگار تلویزیون کانال جدید از این مراسم گزارش تهیه کرد. این تظاهرات با اعلام ادامه مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و تشکر از شرکت کنندگان به پایان رسید.

مالمو

در شهر مالمو کمیته برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو با تلاش برای جلب افکار عمومی و اتحادیه های کارگری شروع شد. رادیو محلی همبستگی در شهر مالمو برنامه هفتگی خود در روز یکشنبه ۱۴ مرداد را به این موضوع اختصاص داد. همچنین ماتریال اطلاعاتی مربوط به بازداشت این دو فعال کارگری برای شمار زیادی از اتحادیه های کارگری ارسال گردید. در تماس مستقیم با اتحادیه های کارگری و دیگر نهاد های حقوق بشر از آنها خواسته شد که با ارسال نامه های اعتراضی به جمهوری اسلامی خواستار آزادی فوری محمود صالحی و منصور اسانلو شوند. فریده آرمان دبیر واحد حزب در شهر مالمو با مراجعه به دفتر روزنامه های مختلف تلاش نمود تا با جزئیات بیشتری آنها را در جریان موج جدید تعرض وحشیانه رژیم اسلامی علیه کارگران، مردم و زندانیان در ایران قرار دهد. روز جمعه قرار است روزنامه "اسکانسکا داگ بلاد" از تعرض وحشیانه اخیر رژیم اسلامی و کمپین برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی مطلبی چاپ کند. یک اقدام مهم دیگر دایر کردن یک میز اطلاعاتی در چندین نوبت و در نقاط مختلف شهر بود. بر روی این میز اوراق اطلاعاتی در مورد زندانی بودن این دو فعال کاکری همراه با عکس های آنها به چشم می خورد. همچنین در مورد موج اعدام های اخیر و دستگیریها و اوضاع زندگی کارگران و مردم در ایران برشورهای اطلاعاتی لازم در اختیار بود. نشریه ویژه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب در باره اقدام جهانی ۹ اوت در میان مردم توزیع شد. بسیاری از مردم طومار اعتراضی علیه جمهوری اسلامی که طی آن خواستار آزادی فعالین کارگری و پایان دادن به بساط اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی بود را امضا کردند.

کمک مالی به تلویزیون

انگلستان:

جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند
حسین صفا ۱۰۰ پوند
بهار میلانی ۵۰۰ پوند

سوئد:

آذر پویا ۵۰۰ کرون
منصور فرزاد ۵۰۰ کرون
محمد امیری ۲۰۰۰ کرون
افسانه وحدت ۲۰۰۰ کرون
حسن صالحی ۲۰۰۰ کرون
کریم شاه محمدی ۱۰۰۰ کرون
فریده آرمان ۵۰۰ کرون
سارا نخعی ۵۰۰ کرون

هلند:

فرشته مرادی ۲۰۰ یورو

فنلاند:

عمر معروفی ۱۰۰۰ کرون سوئد
امیر توکلی ۵۰۰ کرون سوئد
عبدل گلپریان ۲۰۰ کرون سوئد

فرانسه:

یدی کوهی ۶۵ یورو
سیروس ۲۰ یورو
Etienne ۱۵ یورو

کانادا:

مسعود آذرنوش ۲۰۰ دلار
صابر آزاد ۲۰۰ دلار
ایرج عبدالهی ۲۰۰ دلار
عباس مانگار ۱۰۰ دلار
فهیمة صادقی ۱۰۰ دلار
شهناز گیوی ۱۵۰ دلار
بهنام گیوی ۱۵۰ دلار

آلمان:

حمید رحیم پور: ۱۵۰ یورو
محمد کریمی: ۲۰۰ یورو
مهین درویش روحانی: ۱۵۰ یورو

منتظر گزارشات دیگری هستیم که پس از دریافت به این گزارش اضافه خواهد شد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگری
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

۹ آگوست ۲۰۰۷

۱۹ مرداد ۱۳۸۶

سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

از میان نامه ها و سؤالات

جوانب مختلف برنامه حزب را بیشتر توضیح دهید

امید رهایی از ایران نامه ای نوشته بودند که در انترناسیونال شماره ۲۰۳ چاپ شد و قول دادم که در این شماره به نامه اش خواهم پرداخت.

قبل از هر چیز از خوانندگان خواهش میکنم مجدداً به انترناسیونال شماره قبل مراجعه کنند و این نامه را مرور کنند. در این نامه یک نیاز مهم مطرح شده است. اگر بخواهم این نیاز را در چند جمله خلاصه کنم به این قرار است: لازم است نقد کمونیسم کارگری از جامعه سرمایه داری و ابعاد متنوع این جامعه را به زبان ساده توضیح داد. باید کاری کرد که هر انسان مخالف این نظام به استدلال محکم علیه مبلغین و مروجین رنگانگ این نظام مجهز شود. باید کاری که هر انسان شریفی بتواند در مقابل هجوم تبلیغی جهان سرمایه داری بایستد، این نظام را نقد کند، مضرات این نظام علیه بشریت را بتواند محکم و قاطع توضیح دهد و از ضرورت حیاتی زیر و رو شدن این نظام دفاع کند. این البته تبیین من از نامه امید رهایی است. امید، خوانندگان را به مباحثی از منصور حکمت و حمید تقوایی مراجعه داده بود که به نظر من هم آن مباحث برای رسیدن به این هدف کمک جدی میکنند. اما یک پیشنهاد هم در نامه بود که جای تاکید دارد. پیشنهادش با اشاره به وعده منصور حکمت بود که قول داده بود برخی از بند های کلیدی برنامه یک دنیای بهتر را در قالب سمینارهای تک موضوعی برگزار کند. و از نظر من هم این شروع بسیار مهم و لازمی برای پاسخ دادن به نیازی است که در نامه امید مطرح شده است. پرداختن به بندهای برنامه در مفصلترین سطح. این لازم است چون برنامه ما تفاوت های بنیادی ما را با احزاب و گرایش های دیگر تصریح میکنند. اگر کسی میخواهد بداند تفاوت ما با طیف وسیع اپوزیسیون ملی و اسلامی چیست باید حتماً به برنامه ما و آنها (البته اگر برنامه ای به صورت علنی اعلام کرده اند، چون بخشی از این احزاب و سازمانها از اعلام برنامه و روشن کردن نظرشان در باره جوانب مختلف زندگی مردم در ایران آگاهانه اجتناب میکنند) مراجعه کند و اینها را با هم مقایسه کند. مقایسه کند و بداند که مثلاً فرق ما با آنها در باره آزادی انسانها، برابری انسانها، حقوق انسان، رابطه زن و مرد، حقوق کارگر، حقوق کودک، سازمان سیاسی جامعه، تفاوت طبقاتی، حرمت و شان انسان، تبعیض علیه انسان تحت نام تفاوت "ملی و قومی و مذهبی" و مهمتر از همه اینها تفاوت ما در باره راه رفتن از این وضعیت چیست. در نتیجه مهم است که دائماً به موارد برنامه پرداخت و در وسیعترین سطح این موارد را تبیین کرد. تا آنجا که به پیشنهاد بجا و لازم امید مربوط است میخواهم روی این تاکید کنم که میتوان به این ضرورت به طرق مختلف پاسخ داد.

۱- راه انداختن برنامه ویژه ای در تلویزیون انترناسیونال به صورت میز گرد در مورد بندهای برنامه. باید

تلاش کرد که این کار در اسرع وقت عملی شود.

۲- راه انداختن بحث های کتبی در همین نشریه. این بحثها را میتوان هم به صورت مقالات اثباتی در مورد بندهای برنامه پیش برد و هم میتوان به شکل پاسخ به سؤالات در باره بندهای برنامه. شکل دوم مناسبتر و جذابتر و روشن کننده تر است. شکل دوم یک امتیاز مهم دیگر هم دارد و آن اینکه به آن مسائلی از برنامه میپردازد که بیش از سایر جنبه مورد سؤال و ابهام است چون مستقیماً پاسخ به ابهامات و سؤالات و انتقادات است.

به این معنا، طرح سؤالات میتواند بهترین شروع باشد. اینجا از امید و خوانندگان انترناسیونال دعوت میکنم سئوالانیشان و انتقاداتشان و نقطه نظرشان در باره برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری را با انترناسیونال در میان بگذارند. در اینصورت در هر شماره انترناسیونال صفحاتی برای پرداختن به این مسئله اختصاص داده خواهد شد.

در بحث مربوط به برنامه به طور فعال شرکت کنید. هر سؤال و هر ابهام و هر نقدتان به برنامه حزب را با انترناسیونال در میان بگذارید. مطمئناً، راه انداختن چنین بحثی به روشن شدن تمایزات میان احزاب و گرایشها و جنبشها، به روشن شدن جنبه های مختلف برنامه حزب کمک خواهد کرد.

انتظار این است که امید رهایی عزیز و دوستان و رفقای نزدیکش در این راه پیشقدم شوند.

به امید شرکت فعال شما در این بحث
محسن ابراهیمی

این کانال آتشفشان روشنی از شکوه انسانیت است

رفیق شهلا دانشفر
میخواهم به شما و همه دست اندرکاران تلویزیون کانال جدید درود بفرستم و خسته نباشید بگویم. در این وانفسای جمهوری اسلامی که یکی از خونریزترین حکومت های تاریخ بشری است و دور جدیدی از کشتار مردم را شروع کرده است، این شبکه مانند مشعل فروزانی که امید را زنده نگه میدارد؛ شوق در دل همه انسانهای شریف ایجاد میکند. این کانال با همه کم و کاستی هایش با همه آمتاور بودنش با همه انتقاداتی که میتوان به آن داشت جلوه بسیار کوچکی از حکومت کارگری است که در آن فقط سخن از انسانیت میشود. در مقابل هزاران شبکه که جز برده گی انسانها مبلغ هیچ چیز دیگری نیستند این کانال آتشفشان روشنی از شکوه انسانیت است. درود بر شما.

من وقتی برنامه ها از روی تل استار پخش میشد ماهواره نداشتم. وقتی که از کانال یک یک ساعت برنامه داشت بخاطر زمان پخش آن عملاً قادر نبودم زیاد از آن استفاده ببرم اما اکنون همه رفقایم در خانه ام هستند؛ صدایشان را میشنوم، تصویرشان را میبینم و شوقشان برای تغییر جهان به من نیرو میدهد. برای من که با مباحثی که مطرح میشود آشنا هستم اما دیدن و شنیدن مستقیم آنها از زبان منصور حکمت، حمید تقوایی و همه رفقای دیگر جلوه دیگری دارد. احساس میکنم عمیقتر مباحث را درک میکنم. تصور اینکه هر زمان این کانال را انتخاب میکنم رفیقی دارد از کمونیسم میگوید برای من جلوه زیبایی دارد. میخواهم

سپاس بیکران خود را نثار شما و رفقای دست اندرکار کانال جدید کنم و میدانم این کانال، کانالی میشود که ما را به دنیای جدید رهنمون میسازد. موفق باشید، دست تک تک تان را به گرمی میفشارم.
یاشار سهندی

ما که از خوشحالی پر در آورده ایم

سلام امیدوارم خوب باشید. تصویر تلویزیون در خرم آباد عالیست. ما که از خوشحالی پر در آورده ایم و در آسمانها پرواز میکنیم. مطمئناً صدای تمام کارگران و تمام کسانی است که خواهان رفتن این رژیم هستند.

مجید

خانم دانشفر سلام! من مجید محمدی از طرف ده نفر از کارگران عسولویه قطعنامه کمپین علیه جنایات رژیم را امضا میکنیم. از طریق آدرسی که داده شده است ما نظرمات را نوشته ایم.

در مورد مذهب برنامه بیشتری داشته باشید

سلام منصور هستم. از تهران تماس میگیرم. تلویزیون شما عالیست. تصویر عالیست. واقعا دستتان درد نکند. از شما خواهش میکنم در مورد مذهب برنامه های بیشتری داشته باشید. مطمئن باشید بیننده بیشتری خواهید داشت.

در مورد کیفیت پخش تلویزیون نامه های متعددی رسیده است که به خاطر کمبود جا از چاپش معذوریم. همچنان ما را از کیفیت پخش تلویزیون، صدای برابری و آزادی مطلع کنید. انترناسیونال

ایستند، و دیگر جمهوری اسلامی نمیتواند آن فاجعه را تکرار کند. من از شما تقاضا دارم که در رابطه با اهمیت این تلویزیون که میتواند صدای مردم و صدای کارگران مبارز و معترضی باشد که برای آزادی و برابری مبارزه میکنند بیشتر صحبت کنید. چکار باید کرد تا بتوانیم حداکثر استفاده را برای شکستن اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی از این تلویزیون انجام دهیم؟
حمید تقوایی: بله، خیلی متشکرم از نکته ای که مطرح کردید. همانظوری که شما گفتید تلویزیون انترناسیونال صفحه ۱۱

از میان سؤالات در جلسه هفتگی اینترنتی حمید تقوایی

تلویزیون انترناسیونال، تریبون مردم در برابر جمهوری اسلامی!

که من از حمید تقوایی تقاضا دارم و تاکید میکنم کمی توضیح دهند که از همین امروز روی این مسئله چکار میتوانیم بکنیم تا صدای مردم و کارگران ایران را از این تلویزیون و از این رسانه مردمی و از این رسانه کارگری بیشتر به گوش مردم برسانیم. زمانیکه برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی تمامی اتحادیه های کارگری جهانی فعالیت میکنند ما هم نهایتاً باید این تلاشها را روی مبارزات جاری در

سرمایه بلکه برای بقا خودش دست به زندان و سرکوب و تهدید و ارباب میزند، که سؤال منم در همین مورد است. در سالهای ۶۰ و ۶۷ کارگران و مردم مبارز و کمونیستها تقریباً هیچ رسانه و امکانی نداشتند که این سرکوب و خفقان و جنایتهایی که جمهوری اسلامی همه روزه انجام میداد را انعکاس دهند اما الان خوشبختانه یک تلویزیونی است بنام تلویزیون انترناسیونال و کانال جدید،

امیر زاهدی: جمهوری اسلامی در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ برای بقای نظام سرمایه خودش ناچار شد که یک حرکت ضد انقلابی انجام بدهد و هزاران کارگر و آزدیخواه و کمونیست را بشدت سرکوب کند و با محکم کردن پایه های این سرکوب و زندان و شکنجه و خفقان به عمر خودش ادامه بدهد. اکنون در سال ۲۰۰۷ نیز همین سرکوب دوباره دارد تکرار میشود اما اینبار نه برای بقا نظام

از صفحه ۱۰ از میان سوالات ...

که از کانال جدید پخش میشود تلویزیونی است که با تمام توان و امکاناتش سعی کرده که تریبون کارگران و آزادیخواهان و تریبون مردم مبارز ایران باشد و پیامها و صدای آنها را پخش کند و بگوش بقیه برساند، و متحد و همبسته کند و راه نشان دهد، و بخصوص اینکه پلی باشد بین داخل و خارج؛ پلی برای اینکه مبارزات مردم و کارگران و آزادیخواهان داخل کشور را به مبارزات کارگران و مردم و آزادیخواهان خارج ایران وصل کند و همراه و همجهت کند. از همان روز اول فعالیت، یعنی در این دوسال گذشته بجز یک دوره وقفه کوتاه که بخاطر انتقال از تله استار به هات برد پیش آمد، همه این نقشها را این تلویزیون توانسته تا حد زیادی ایفا کند. دوره مبارزات کارگران شرکت واحد برای مثال یکی از این نمونه ها بود که تلویزیون توانست بخصوص از طریق برنامه های زنده ای که آنزمان اجرا میشد به تریبون رهبران این مبارزه و کارگرانی که در آن مبارزه شرکت داشتند تبدیل شود.

یک نمونه دیگر مورد مبارزات معلمان بود. هرچند که در آن دوره بخاطر انتقال از تله استار به هات برد موقتا تلویزیون کانال جدید برنامه نداشت و صرفا برنامه های یکساعت در روز را در کانال یک داشتیم، با اینحال معلمان با ما تماس میگرفتند و میگفتند که ما میخواهیم همان نقشی را که شما در رابطه با کارگران شرکت واحد ایفا کردید در رابطه با ما نیز انجام دهید. اینها فقط دو نمونه از برجسته ترین کارهای این رسانه است. در رابطه با مبارزات مردم کردستان بویژه کارگران کردستان این تلویزیون همیشه و همواره این نقش را داشته است. در مبارزات دیگر بخشهای جامعه هم به درجات متفاوت همینطور بوده، در مبارزات ۱۶ آذر و روز ۸ مارس و روز جهانی کودک نیز تلویزیون همین نقش را ایفا کرده است. در همه این عرصه ها و روزها و مناسبتها مردم به تلویزیون زنگ میزدند و تماس میگرفتند و حرفشان را میزدند و فراخوان و پیامشان را خطاب به کارگران و مردم ایران اعلام میکردند، و فراخوانشان را خطاب به اتحادیه های کارگری جهان طرح میکردند، و همینطور

وسیعتر جامعه به کنه و به ریشه دردهای خودش پی ببرد، و آستین بالا بزند و به میدان بیاید و متشکل و متحد شود، تا بتوانیم این دنیای وارونه سرمایه داری را درهم بکوبیم، و یک جامعه آزاد و برابر و انسانی بجایش برقرار کنیم.

تلویزیون انترناسیونال نقش تعیین کننده ای در اشاعه افکار و سیاستهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی دارد، و قبلا نیز اینرا نشان داده است. سابقه اش این را نشان میدهد که حتی در پیشبرد گام بگام مبارزات هرروزه توانسته و میتواند نقش موثری داشته باشد، و میتواند سدی باشد در برابر سرکوبهای امروز، و در برابر این موج جدید توحشی که جمهوری اسلامی براه انداخته تا وحشت و سرکوب و اختناق را در جامعه حکمفرما کند، این تلویزیون میتواند یکی از ابزارهایی باشد که این موج سرکوب را درهم بشکند و عقب براند. البته هنوز در هات برد این امکان نیست که برنامه های زنده پخش شوند و بزودی این امکان هم فراهم خواهد شد، اما همین امروز هم که هنوز برنامه های زنده شروع نشده است مردم میتوانند از طریق آدرس ها و شماره تلفن ها و ایمیل هایی که بطور مداوم از تلویزیون به اطلاع عموم میرسند و روی سایت های حزب هم اعلام شده، با ما تماس بگیرند. من همه مردم آزادیخواه را فرامیخوانم که وسیعا با ما تماس بگیرند و حرفشان را از تلویزیون کانال جدید بگوش همه برسانند.

تلویزیون انترناسیونال ارگانی است در خدمت مبارزه مردم و اساسا برای همین بوجود آمده است و فعالیت میکند تا بتواند مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری را به پیروزی و سرانجام برساند. خیلی متشکرم که این سؤال را طرح کردید و به من این امکان را دادید که بتوانم این توضیحات را بدم.

شوراها در محل زندگی و در محل کار، شوراها در اپوزیسیون و در قدرت

ناصر احمدی: حمید جان، هفته پیش در پاسخ به جمشید اطیابی و محمد مزرعه کار میگفتید که در جامعه سوسیالیستی بویژه بعد از گذراندن سالهای اول و دوم و سوم انقلاب، و

تثبیت قطعی دولت کارگری، هدف اساسی جامعه سوسیالیستی برچیدن طبقات خواهد بود و نه حفظ مجدد طبقات، و لذا صرفا شوراهای مردمی و شهروندان خواهیم داشت و نه شوراهای کارگری، و میگفتید که این شوراها در شهرها و در مناطق و در محلات برقرار خواهند شد و نه در محیط های محدود کار مثل کارخانه و دانشگاه و اداره و غیره. سؤال من اینست که پس امور مربوط به شرایط کار در جامعه سوسیالیستی چگونه حل خواهد شد؟ آیا همین بحث جنبش شورایی و تشکیل مجامع عمومی که بطور منظم مثلا هفته ای یکبار یا دو هفته یکبار در کارخانه ها را طرح میکنیم، آنموقع دیگر بعد از تثبیت قدرت سیاسی نیازی به آنها نخواهیم داشت؟

حمید تقوایی: بله، در رابطه با شوراها هفته گذشته سوالهای خوبی مطرح شد که شما هم زحمت کشیدید و بحث را پیاده کردید و در انترناسیونال چاپ شد. شاید بشود در اینترنت یک جلسه سمینار ماندنی آنهم نه کوتاه و نیم ساعتی برگزار کرد و از جوانب مختلف و بطور مفصل به بحث شوراها در جامعه سوسیالیستی پرداخت. امیدوارم در فرصتی این کار را بکنیم. اما در پاسخ به سؤال مشخص شما تا آنجایی که وقت این جلسه اجازه میدهد توضیحاتی میدهم. در هفته گذشته بحث ما در مورد شوراها بعنوان پایه های جمهوری سوسیالیستی بود. نکته مهم این است که در واقع پایه های نظام و سازمان اداری و دولتی جمهوری سوسیالیستی را شوراهای مردم علی العموم، شوراهای محلات و مناطق و شهرها و استانها و غیره تشکیل میدهند، و دیگر شوراهای محل کار مانند شوراهای کارخانه و اداره و دانشگاه غیره در سیستم حکومتی نقش ندارند. یک دلیل این امر همانطور که قبلا توضیح دادم این است که ما نمیخواهیم تقسیم جامعه به کارگر و غیر کارگر و بورژوا و خرده بورژوا را همچنان حفظ کنیم. اگر در سیستم دولتی و در نظام حکومتی جمهوری سوسیالیستی شوراهای کارگری، و شوراهای غیرکارگری و خرده بورژوا و غیره از هم متمایز شوند، و بخصوص اینکه شوراهای کارگری حقوق ویژه ای داشته باشند و شوراهای دیگر از

حقوقی محروم باشند، این دیگر معنیش همان تثبیت طبقات در جامعه است. این دیگر نقض غرض و نقض آن هدف انسانی است که میخواهیم جامعه را به آن سمت یعنی به یک جامعه غیرطبقی و برابر سوق دهیم.

دلیل دیگر نادرست بودن تقسیم شوراها به کارگری و غیر کارگری در جمهوری سوسیالیستی اینست که در این جامعه اداره امور جامعه امر همه شهروندان است، امر همه انسانهایی که بطور یکسان و برابر در آن جامعه زندگی میکنند، و بهمین خاطر است که شوراها بعنوان پایه سوسیالیسم باید برحسب محل زندگی باشند و نه محل کار.

بگذارید اینطور بگویم که در جامعه سوسیالیستی مثلا سیاست آموزشی در دانشگاه ها را شوراهای دانشگاه تصمیم نمیگیرند بلکه این امری است مربوط به کل جامعه و کل مردم باید از طریق شوراهایشان در این مورد نظر بدهند و تصمیم بگیرند. و یا فرض کنید که سیاست ما در رابطه با نفت و صدور آن و یا توزیع درآمد نفتی امر شوراهای کارگران صنعت نفت نیست بلکه امر کل جامعه است. عبارات دیگر از آنجا که امر سیاست گذاری عمومی و اجرا کردن این سیاستها به کل جامعه مربوط است، این در حیطه اختیارات شوراهای مردم باید باشد و این شوراها در سطح محل زندگی افراد، حال از محلات بگیرد تا مناطق و شهرها و استانها و غیره، تشکیل میشوند.

اما این امر به این معنی نیست که ما در محل کار اصلا شورا نخواهیم داشت. بحث ما تا اینجا و در جلسه پیش هم در مورد شوراها بعنوان پایه های حکومت بود و در این رابطه است که شوراهای محل کار نقشی ندارند. اما برای اداره امور محدود به محل کار، مثلا امور مربوط به یک کارخانه معین طبعا شوراهای محل کار تصمیم خواهند گرفت. در هر جامعه بویژه در جامعه سوسیالیستی که ما از آن صحبت میکنیم اموری هستند مربوط به محل کار، اداره و دانشگاه و کارخانه و غیره که مربوط به خود انسانهایی خواهد بود که آنجا مشغولند و آنها را باید در مجمع عمومی و شورای خود به بحث بگذارند و تصمیم بگیرند. فرض کنید در یک کارخانه

پیام محمد آسگران به کارگران و مردم آزادیخواه کردستان

از جلوه های پیشروی جنبش کارگری



و رهبران و فعالین کارگری را نداشتند، مجبور شده اند از جنبش کارگری از اعتصابات فزاینده کارگران و از فعالین و رهبران کارگری سخن گویند. این اوضاع بسیار هیجان انگیز است. اعتراض و دفاع کارگران و اتحادیه های کارگری در دنیا از مبارزات کارگران و مردم در ایران، بهم پیوستن مبارزات مردم ایران به یک جنبش عظیم اجتماعی در جهان است. دیدن و شنیدن این صف جهانی و این اتحاد و همبستگی بین المللی، بیشک دل هر انسانی را به شوق می اندازد!

دوستان کارگر، همزمان!

۱۸ مرداد روز مهمی در مبارزات ما و در جنبش آزادیخواهی برای تحقق آزادی و برابری است. در این روز همه جا دستهای خود را بهم گره بزنیم و همگام و همراه با کارگران و مردم مترقی در سراسر جهان اعلام کنیم که توحش اسلامی باید پایان یابد. به میدان بیاییم و به استثمار و سرکوب و خفقان و ناپرابری و تحقیر و توهین نه میگوییم. اعلام کنیم زندگی انسانی میخواییم و زندگی لایق انسان در قرن بیست و یکم شایسته ما است. مایی که دنیا را و همه نعمات موجود در آن را تولید میکنیم. اعلام کنیم که جمهوری اسلامی ایران با همه قوانین و مناسبات قرون وسطایی اش، به گذشته های دور تعلق دارد و باید شرش را از سر مردم کم کند. مردم ایران و کارگران به آزادی و به روشنایی و به زندگی انسانی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. ساختن این دنیا ممکن است. روز ۱۸ مرداد روز اعتراض جهانی به جمهوری اسلامی است. این روز میتواند یکی

زنده باد همبستگی جهانی کارگران
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد سوسیالیسم
۱۷ مرداد ۱۳۸۶

اتحاد بین المللی دفاع از کارگران ایران ضمن خواندن چندین نامه حمایتی رسیده، نامه محمود صالحی را به زبان انگلیسی برای شرکت کنندگان خواند.

تظاهرات امروز بعد از دو ساعت در میان شور و شوق حاضرین با شعار آزادی فوری محمود صالحی و منصور اسانلو و مرگ بر جمهوری اسلامی به پایان رسید*

و رهبران و فعالین کارگری را نداشتند، مجبور شده اند از جنبش کارگری از اعتصابات فزاینده کارگران و از فعالین و رهبران کارگری سخن گویند. این اوضاع بسیار هیجان انگیز است.

اعتراض و دفاع کارگران و اتحادیه های کارگری در دنیا از مبارزات کارگران و مردم در ایران، بهم پیوستن مبارزات مردم ایران به یک جنبش عظیم اجتماعی در جهان است. دیدن و شنیدن این صف جهانی و این اتحاد و همبستگی بین المللی، بیشک دل هر انسانی را به شوق می اندازد!

۱۸ مرداد روز مهمی در مبارزات ما و در جنبش آزادیخواهی برای تحقق آزادی و برابری است. در این روز همه جا دستهای خود را بهم گره بزنیم و همگام و همراه با کارگران و مردم مترقی در سراسر جهان اعلام کنیم که توحش اسلامی باید پایان یابد. به میدان بیاییم و به استثمار و سرکوب و خفقان و ناپرابری و تحقیر و توهین نه میگوییم. اعلام کنیم زندگی انسانی میخواییم و زندگی لایق انسان در قرن بیست و یکم شایسته ما است. مایی که دنیا را و همه نعمات موجود در آن را تولید میکنیم. اعلام کنیم که جمهوری اسلامی ایران با همه قوانین و مناسبات قرون وسطایی اش، به گذشته های دور تعلق دارد و باید شرش را از سر مردم کم کند.

مردم ایران و کارگران به آزادی و به روشنایی و به زندگی انسانی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. ساختن این دنیا ممکن است. روز ۱۸ مرداد روز اعتراض جهانی به جمهوری اسلامی است. این روز میتواند یکی

سرکوب و جنایت رژیم اسلامی، به تفاوت این دوره از مبارزات مردم و کارگران پرداخت و بر اهمیت این روز جهانی در دفاع از فعالین کارگری ایران اشاره کرد و خواهان آزادی فوری منصور اسانلو و محمود صالحی و لغو حکم وحشیانه کارگران دستگیر شده اول ماه مه سنجند شد.

در قسمتی دیگر از تظاهرات امروز فرید پرتوی یکی از فعالین

کارگران مردم آزادیخواه کردستان!
جمهوری اسلامی با اعدامهای دسته جمعی، دستگیری فعالین جنبشهای اعتراضی و صدور احکام سنگین و تحقیر آمیز مانند تازیانه علیه ۱۱ فعال کارگری در سنجند، تلاش میکند که فضای رعب و وحشت را بر جامعه گسترش دهد.

به دنبال دستگیری اسانلو و محمود صالحی از رهبران و فعالین کارگری شناخته شده، کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) روز ۹ اوت برابر با ۱۸ مرداد ۱۳۸۶ را اقدام جهانی برای آزادی آنها اعلام کرده اند. این فراخوان جهانی اعلام یک کمپین مهم و موثر در حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران است. اقدام این سازمانهای جهانی یک همبستگی وسیع و مهم برای کارگران و مردم ایران را به دنبال دارد.

اکنون جهانیان چشم امید به کارگران و مردم ایران دوخته اند. در مقابل توحش جمهوری اسلامی باید به این کارزار جهانی پیوست. کارگران و مردم ایران اکنون در مرکز توجه رسانه های جهانی قرار دارند. اگر تا دیروز دولتها و سرمایه داران مبارزات مردم و جنبش کارگری ایران را، انکار کرده و سعی در پرده پوشی و لاپوشانی حقایق جنبش عظیم کارگری داشتند، امروز دیگر ورق برگشته است، نمیتوانند آنرا انکار و از کنار آن بگذرند.

امروز در ایران و در جهان، نه تنها احزاب کارگری و کمونیستی، بلکه بسیاری از نیروهای مترقی و مدافع حقوق انسان، این جنبش را دیده و از آن حمایت فعال میکنند. اکنون نیروهایی که در مقابل جنبش کارگری بوده و چشم دیدن این جنبش

کارگری ایران به زبانهای انگلیسی و فارسی سخنرانی کردند. ابتدا ناصر اصغری به زبان انگلیسی با تاکید بر اهمیت این روز گزارشی از اعتراضات اخیر و حملات وحشیانه رژیم اسلامی به کارگران، دانشجویان، معلمان، ارائه داد و خواهان آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شد. سپس یدی محمودی با اشاره به ۲۸ سال

قائل شد. امروز شوراها بعنوان ارگانهای مبارزه و ارگانهای قیام و انقلاب کارگری مطرح اند و مجمع عمومی نیز در کارخانه ها و یا در هر سطحی که تشکیل میشوند مثلاً مجمع عمومی دانشجویی و شوراها دانشگاه و غیره تشکلهائی برای اعتراض و مبارزه هستند. اینها با شوراها بعنوان پایه های حکومت سوسیالیستی تفاوت دارند. تفاوت نه فقط به این معنی که اینها کارگری و دانشجویی هستند، و در حکومت سوسیالیستی شوراها مردمی حکومت میکنند، بلکه به این عنوان هم متفاوت هستند که این شوراها ارگانهای مبارزه هستند، و نه ارگانهای اداره امور. ارگانهایی هستند که باید مبارزه برای سرنگونی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری را به پیش ببرند، در اپوزیسیون هستند و علیه بورژوازی حاکم مبارزه میکنند و از اینرو از نظر خصلت و نوع کارشان متفاوت از شوراها هستند که از فردای حکومت سوسیالیستی قدرت را در دست میگیرند و کارشان اداره امور جامعه سوسیالیستی است. اگر این شوراها مبارزاتی دردل انقلاب کارگری شکل بگیرند - این امکان هم وجود دارد که شوراها بعد از پیروزی و اعلام جمهوری سوسیالیستی شکل بگیرند - آنوقت همین شوراها طبعا پایه و مایه شوراها حکومتی آتی خواهند بود، اما نقششان عوض میشود و به نوع دیگری کار میکنند، و تبدیل میشوند به شوراها اداره امور جامعه سوسیالیستی. این نکته را هم لازم بود روشن کنم.*

معین مسائلی نظیر ساعاتهای معینی برای استراحت مطرح میشود، و یا وضع نهارخوری، حمل و نقل و شیوه رفت و آمد به کارخانه و وضعیت ایمنی و غیره، همه اینها اموری هستند که به خود کارخانه مربوط میشوند و شورای کارخانه هست که در موردش تصمیم میگیرد. وظیفه شوراها مردم که پایه های دولت سوسیالیستی را میسازند تصمیم گیری در مورد سیاستهای عمومی مربوط به همه امور جامعه است و نه بحث و تصمیم حول آیین نامه ها و قوانین و مقررات ویژه ای که صرفا مربوط به بخشهای معینی از تولید یا دانشگاه، مدارس، اداره و یک محیط کاری معینی مربوط میشود. این قوانین و مقررات از طریق شوراها همان محیط کاری حل و فصل میشوند. مجمع عمومی هم بدین ترتیب جایگاه خودش را پیدا میکند.

به این ترتیب ما در جامعه سوسیالیستی طبقات و حکومت یک طبقه بر طبقات دیگر را تثبیت نکرده ایم بلکه حرف و نظر و تصمیم کل مردم را در مورد اموری که به کل جامعه مربوط است عملی میکنیم. درعین حال امور محدود و مربوط به واحد تولیدی یا آموزشی و خدماتی و غیره هم که در آنجا افراد معینی کار ویژه ای انجام میدهند به مجمع عمومی و شوراها خود آن واحدها مربوط میشود و کارگران آن واحدها در مورد مسائل ویژه مربوط به خودشان تصمیم میگیرند. این نکته را هم بگویم که باید بین شورا بعنوان ارگانهای حکومتی و شورا بعنوان ارگان مبارزه تفاوت

همایش باشکوه جهانی: تظاهرات در اتاوا

خورد، زنده باد سوسیالیزم به زبانهای فارسی و انگلیسی شروع شد.

در جریان تظاهرات نمایندگان از جریان تظاهرات سیاسی مختلف و نمایندگان از اتحادیه کارگران پست کانادا و اتحادیه خدمات عمومی سخنرانی کردند و همگی ضمن محکوم کردن رژیم اسلامی خواستار آزادی بدون قید و شرط منصور اسانلو و محمود صالحی و کلیه زندانیان سیاسی شدند.

در میان سخنرانان امروز ناصر اصغری و یدی محمودی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست

در آخرین لحظات صفحه بندی انترناسیونال این گزارش دریاخت شد.

در اتاوا برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو مخالفین رژیم اسلامی در مقابل سفارت این رژیم دست به اعتراض زدند. تظاهرات با شعارهای کوبنده ای مثل منصور اسانلو و محمود صالحی آزاد باید گردد، مرگ بر رژیم اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دست حکومت اسلامی از سر کارگران کوتاه، اگر کارگران متحد باشند هیچگاه شکست نخواهند